

# قیام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

ارگان مرکزی نهضت مقاومت ملی ایران

## هسته‌های مقاومت در ایران

### تظاهرات بزرگداشت انقلاب مشروطیت

گزارش‌های رسیده از هسته‌های اطلاعاتی نهضت مقاومت ملی ایران حکایت از آن دارد که در شب سیزدهم مرداد (۱۴ اوت) تظاهرات سا زمان یافته در خورتوجهی در بسیاری از شهرهای ایران، بمناسبت هشتادمین سالروز اعلام مشروطیت برپا شده است. این گزارش‌ها، دربارهنحوهوشکول بزرگاری تظاهرات، چنین توضیح می‌دهد: "گروه‌های پنج تا هفت نفری از جوانان وابسته به هسته‌های مقاومت در شهرهای گوناگون ایران، در شب سیزدهم مردادماه با برنایه‌ریزی‌های قلی‌شاه‌ها، پلاکاردها و عکس‌های بیشمار در سطح شهرهای تهران، اصفهان، کربلا، رشت، بابل، تبریز، راضی‌ه... توزیع کرده‌اند..."

بقیه در صفحه ۱۱

## وای به حال امریکا!

در بحث ۷

### استانی جذاب

### از تاریخ بی‌هقی

در صفحه ۶

هادی بهزاد

## حوادث پیش از توفان

بودیا گورستان. پدران و مادران بسیاری هستند که جوانان خود را از وحشت سیادان در خانه حبس کرده‌اند. پدری نقل می‌کند که چگونه ماه تمام پسرش را از رفتن به مدرسه بازداشت و در کنج خانه زندانی کرده است. می‌داند سراز مرداب‌های مجنون و برهوت هورا لهویزه در آورد. ولی یک روز که ظاهراً "بسرک به تنگ آمده و برای گشتی در کوچه و بازار، دل بدربیا زده بود، درست در همان روز به دام افتاد و پدران پس دیگری نشانی از او ندیده است. پیدا است که در چنین جو هولناکی اگر طاقت آدمیزاد به سختی گویی باشد، در هم می‌شکند.

بقیه در صفحه ۲

روایت می‌کنند و این همه نا منتظر نیست. در آمدیک ماه خانوار، گسذران متعارف حتی یک هفته را جواب نمی‌دهد. در قشرهای کم درآمد آمار گرسنگی و کمبود غذا، بر چهره‌ها پیدا است. خانه‌های جرم‌ان قصور غنیمتی که به انبوه قراول و بیساول محافظت میشوند، از سرت‌های شبانه روزانه ایمن نیست. حکایت درمان و دارو، مصداق مشکل سیمرخ و کیمیا است. بیماری‌های از یاد رفته، مانند تراخوم سیاه زخم و مالاریا و کجلی روز افزون است. گذشته از این‌ها، هیچکس به فردای خود آگاه نیست که جای پیش زندان خواهد

حال وهوای امروز ایران به حال وهوای قبل از توفان میماند. علائم بسیار از پایان تحمل خبر می‌دهد، خوشه‌های خشم در همه جا، کوچه و بازار و مدرسه و خانه و اداره و کارخانه به چشم می‌خورد، حرکت‌های اعتراضی اوج می‌گیرد، لعنت و نفرین حدیث رایج است، احتیاط و پنهانکاری فراموش شده است، از دیوارهای موش‌دار، هراسی نیست؛ اعتصاب بزرگان، اعتصاب تاکسیران‌ها، امواج ناراضگی در موبس‌ساز کارگری - ناآرامی‌های پی‌درپی در مناطق عشیره‌ای، عقده‌گشایی به فریادها و ناسزا، در صف‌های بی‌انتهای خرید و حتی در فضای بسته‌ی اتوبوس‌ها، از ظهور پرشتاب بی‌باکی‌ها

## گزارش‌های ایران

در نخستین روزهای تیرماه مردم رشت در شرایط گرانی نفس گیر ماده اصلی حیات شان "برنج" و کمبود نان به تظاهراتی خروش آمیز دست زدند و هنگامی که پاسداران قصد تیراندازی و پراکندن مردم را داشتند زنگان چادرهای خود را گشوده و سینه‌ها را جلو داده و فریاد کشیدند: بیا شید بزنید یا بما غذا بدهید!

بقیه در صفحه ۴

## قربانیان بی دفاع

از پنج هفته پیش "جنگ شهرها"، بالا گرفته است. عراق با بمباران یا لایتنگاه شهری، این "جنگ" را بار دیگر گشوده است و ایران نیز به تلافی برخاسته است. طی این مدت، تقریباً "هر روز" هدف‌های نظامی و اقتصادی "آنچه که طرفین در بمباران‌ها مدعی‌اند، مورد حمله قرار می‌گیرد، اما قربانیان این حملات اکثراً "مردم شهرها هستند. خانه‌های بسیاری بر سرشهروندان فروری ریزد، در حالی که اهداف واقعی اقتصادی و نظامی، کمتر در حملات این چند هفته زیر ضربه قرار داده شده است. عراق، شهرهای اراک و درود و اصفهان و سنج و بانه را فرود کوبیده است و ایران به تلافی بصره و چند شهر کردنشین عراق را هدف قرار داده است. این مرحله از "جنگ شهرها" در حالی ادامه می‌یابد که ناظران سازمان ملل در حال دیدار از شهرهای بمباران شده بودند، زیرا هر دو طرف مدعی‌اند که دشمن از توافق ضمنی ۱۹۸۵ بر بی‌حیجده است و هدف‌های غیر نظامی و خانه‌های مردم را بمباران می‌کند. گزارش‌های مربوط به تلفات ناشی از این حملات نیز نمی‌تواند دقیق باشد، زیرا فی‌المتل وقتی جنگنده‌های عراقی اراک را بمباران کردند، مقامات دولتی تلفات ناشی از این حمله را ۱۲ نفر ذکر کرده بودند اما وقتی روزنامه "رسالت"، قربانیان بمباران اراک را بیشتر از یکصد نفر اعلام کرد، مقامات جمهوری اسلامی نیز قربانیان بمباران اراک را بتدریج تا حدود صد نفر اعلام داشتند. بهر حال، جنگ بهبود و ویرانگر دو کشور همسایه و دولت مسلمان را از هستی ساقط می‌کند و این فاجعه در حالی بالا می‌گیرد و ویرانی روی ویرانی می‌افزاید که جمهوری اسلامی، هرگونه مذاکرات صلح را رد می‌کند. گزارشی که در زیر می‌آید، گلوله‌باران منطقه "سیروان" عراق را توصیف می‌کند. چنین مصائبی هر روز بر ملت ایران نیز می‌رود و جنگ بی‌حاصل با زخم قربانیان پر شمار دیگر از ایرانیان خواهد گرفت.

بقیه در صفحه ۳

کمال روحانی

## قلمرو خصوصی

### خوئینی‌ها!

موسوی خوئینی‌ها دادستان جمهوری اسلامی ضمن یک سخنرانی در مشهد اظهار داشت که مبارزه با بدحجابی را بعنوان نهنی از منکر با بدبهر عهده همه افراد جامعه گذاشت. وی رسماً "اعتراف کرد که جزا ز طریق حزب‌اللهی‌ها برخورد با این مسئله غیر ممکن است. به عبارت بهتر موسوی خوئینی‌ها در مقام دادستان جمهوری اسلامی تأکید کرد که ضرب و شتم و هتک مردم کاری است که از نظر رژیم ولایت فقیه، اصولی و منطقی است. وی یکبار دیگر به موضوع دعوت دولت موسوی از ایرانیان خارج

از کشور اشاره کرد و افزود: البته مسئله بدحجابی با بازگشت خوانین و سرما به داران و وفاریان مرتبط است و اینکه ما از کسانی که چند سال است در خارج هستند و با فرهنگ ما بیگانه هستند دعوت کنیم به کشور بازگردند، این خود به بدحجابی‌ها من می‌زند. جالب توجه است که اظهارات موسوی خوئینی‌ها درست هنگامی انتشار یافته که آیت‌الله منتظری ماوران رژیم را به اعتدال و پرهیز از اعمال خشونت در برخورد با مردم دعوت کرده است. منتظری حتی تأکید کرده بود که ایران نباید در خارج از کشور به مملکت بازگردند.

این دو نمونه متناقض از اظهارات مسئولان رژیم گویای اینست که هر یک از آن‌ها در رژیم ولایت فقیه، یک قلمرو خصوصی دارد. بنا بر این تعجب آور نیست که در یک روز آیت‌الله منتظری در این ارکستر پرهیاهوی می‌بزند و

بقیه در صفحه ۴

## کنفرانس مطبوعاتی نهضت مقاومت ملی ایران در آلمان

### ۶ سال نبرد برای استقرار دموکراسی

است در داخل و خارج ایران بصورت چشم‌گیری توسعه یابد. ۱۴ مرداد معارن با سالگرد اعلام مشروطیت در ایران است. نماینده نهضت افزود: شاپور بختیار جوان و دانا نشجو در اروپا نیز در مقابل دیکتاتور فرانکودرا سپا تیا قد برافراشت و در جنگ جهانی دوم، علیه سربازان هیترلی جنگید. پس از پایان تحمیلات با آن که وی می‌توانست در رژیم وقت ایران با لاترین مقام‌ها را بدست آورد، به خاطر منافع ملی و دفاع از حقوق مردم کشورش، در مقابل دیکتاتور سلطنتی سرخشم نکرد و سی سال با آن مبارزه کرد و مدتها در زندان بسربرد. بختیار از جوانی خواهان استقلال کشورش و دموکراسی و عدالت اجتماعی برای هم‌وطنانش بود و تاکنون هیچ‌گاه از این خط عدول نکرده است. شعار نهضت مقاومت ملی ایران هم، امروز غیر از آن نیست، یعنی: استقلال، دموکراسی و عدالت اجتماعی. بقیه در صفحه ۳

به مناسبت سالگرد تأسیس نهضت مقاومت ملی ایران، از سوی کمیته اجرائی نهضت، شاخه آلمان فدرال، یک کنفرانس مطبوعاتی در روز ۱۵ مرداد (۶ اوت) در سالن کنفرانس پارلمان آلمان برگزار شد. در این کنفرانس مطبوعاتی نمایندگان خبرنگاری آلمان (د.د.آ)، نمایندگان خبرنگاری آسوشیتد پرس، یونایتد پرس و رویتر، نمایندگان رادیوی شمال آلمان و صدای برلین و عده‌ای از روزنامه نگاران مستقل شرکت داشتند. در آغاز کنفرانس، یکی از نمایندگان نهضت مقاومت ملی ایران شاخه آلمان سخنرانی مشروحی درباره سوابق فعالیت‌ها و دیدگاه‌های نهضت ایراد کرد که قسمت‌های از آن در زیر می‌آید: نماینده نهضت در ابتدا گفت: نهضت مقاومت ملی ایران در روز ۵ اوت ۱۹۸۵ (۱۴ مرداد ۱۳۵۹) به وسیله آقای دکتر شاپور بختیار در شهر پاریس بنیاد نهاده شد. از آن تاریخ تا به حال، نهضت مقاومت ملی ایران توانسته

# حوادث پیش از توفان

بقیه از صفحه ۱

سوخت نیست، آب نیست، درمان نیست، امنیت نیست.

گرمای آتشبار رهنم، خوشنست و آزار و حسیانه ای او با ش پاسدار رویسیجی و بدکاره های نا رالله هست که خود در عین حال منبع درآمدی است و همیمن کافیت بی اراده، در شدت گرمیها، مقنعه ای او پس رود، تا رموشی ظاهر شود که پیشاپیش نرخی گناه رافقها بنابر "حادث نبوی" مشخص کرده اند و کیست که نداند در مقابل فرمان "فقیه" چون و چرا دیوانگی است.

واقعا "دیگرچه تحملی میماند؟ - این کدام موجود زنده و صاحب عصبی است که چنین جهنمی را تاب می آورد؟ اما رژیم در کنار این تنور تافته تنها به سرپوش اختناق و زور جسیده است و ظهرا "جز این هم چاره ای ندارد کسه اگر دمی غفلت کند، سرا پای خود را به جرقه ای در آتش خواهد دید.

اما لرزه های پیش از طوفان، جوانه های آتکار خشم و اعتراض به سهم خود این واقعیت را تکرار می کنند که اگر جبر و اختناق آخرین دستاویز "مانندین" است، الزاما "تضمین کننده ای آن نیست و این سهل است، زبان تجربه می گوید که قهر و استبداد در اندازه غلیظ تر و سنگین تر شود، بهمان اندازه شدت انفجار سهمگین تر خواهد بود و گویا بر رژیم اسلامی عبور از جاده ای چنین تجربه ای مقدور شده است.

از این هفت سالواندی که رژیم تمام تقای خود را به کار حفظ موجودیت خود گرفته است، ستا چهار سالی در هوای فریب و انتظار سپری شد. یک چند نیز جامعه حاصل - مجروحی را داشت که بدنش گرم بود، در درازای نمی کرد ولی درست همی نظر که انتظار می رفت، رفته رفته در دماغ هرشد و از این پس آوندها آنچه از مگر و دروغ آندوخته داشتند، یکبار زدند.

جمله را با لاف از هجوم "استکبار جهانی" کافی ندیده اند با قدا یجا دککاف در صفوف مردم، نمایش "مستضعف و مستکبر" را چاشنی کردند و لای از آغاز پیدا بود که از این بازی هم طرفی نخواهند بست و خامت روز افزون زندگی و نتایج با بیای آن در همین مرز "تنگدستی و فشار" توقف نکرد، رژیم ناگزیر با ردیلانه ترین روشی که به تزیق "سیاست ارعاب" کمر بست و در این خطنصاب های حیرت انگیزی از جنایت و خیانت آفرید و از این رو، رژیم اسلامی در قیاس با تک و رژیم های فاسد و مستکبر، در قالب یک استثنا، و یک مسطورهی بی سابقه شکل گرفت.

در سایرینظام های استبدادی دست کم خاموشی بهینا هگا و سپری مبدل میشود، آنچنان که اگر زبان را نگاهسداری از ورطه ای خطر زستای، یعنی حکومت بنا معترض خاموش جنگی نداری، و گاه نظر را هم تحمل می کند و تنها پای عمل را می شکند، اما در رژیم جمهوری اسلامی این قاعده نیز از پایه بهم خورده است، یعنی فراتر از نظرو عمل، سکوت هم مایه ای مصونیت نیست، چرا که قرعه کشی مرگ در کار است.

برای کارگری که از زن در آوردن محروم میشود، بیگاری آخر خط نیست، باید از وجود خود برای تافتن کورهی جنگ سهمی ببرد از دوشربیت شهادت را و لوی نا خواسته بنوشد.

به همین سیاق پدر و مادر که در قبایل انواع مرارت ها بیض خود را پنهان کرده و دم برنیا ورده و سوخته و سخته اند، باید بداند که مونیتهی تمبشان نخواهد شد، زمانی خواهد رسید که با پدر زاء، تسلیمت و تنهنیتی، جگر گروشی خود را بسلامت امام و بیرسم قربانی تقدیم کنند و به شفاعت اخروی او مستظهریما کنند.

گفتن ندارد که در این جو قساوت و وحشت، وقتی کار دبه استخوان رسید، خواه نا خواه سکوت های شکنند و ترس ها می ریزد و بغض ها ظاهر می شود، و ایمن ما جراتی است که به هزاران هدر متسن جمهوری اسلامی سرگرفته است.

امروز در بیساری از مجالس مردم، خاصه در محافل نسل جوان، مرگ تدریجی و پرتغاب حدیث اول است که در هر سر قدم

با پوست و استخوان خود حس می کنند و می پذیرند که "بالاتر از سیاهی رنگی نیست" و همین است که دل ها را برای به دریا زدن بر میا نگیزد.

با چنین درد و مصیبتی که فقط با یدکشید و با ورش کرد، بروز خیزش های اعتراضی یک انعکاس طبیعی است که با شتاب می رود تا پهنه ایران را بپوشاند.

اما اساس حرف این است که دل بستن به این جوش بی مهارتا چه حد منطقی است؟ آیا این لرزه ها که قاصد طوفان هستند به خودی خود مشکل گشا نیز هستند؟ آیا این موج های کوچک ولو به مواجی کوه شکن تبدیل شوند، امیبدنجات را کفایت می کنند؟

اهل تاریخ و اهل تجربه و پیشاپیش ملیون ایران با سخاها را آما داده اند و یا قاعدتا "با یاد آما ده داشته باشند. تجربه می گوید این لرزه ها را با پیدا قبایل کرده و میدان دا دولی تا در راهی که بایسته است شکل بگیرند، هیچ دردی را دوا



سخن از نیا زا مرو زاست، مگر کسی خواسته است که آلمان ها و اعتقادها را حتی سرپوش بگذارد؟

این حکم کدام قماش "دمکراسی" است که اگر "دیگری ما را با ورنداشت پس حقیقت را با ورنکرده است؟ و نایستهی تحمل نیست؟

آیا تجربه ای گذشته، تجربه ای آن روزها که در وجود هیولائی چون خمینی خستاد را جستیم و به عما ما ش دخیل بستیم، کافی نیست تا برای مگان لغزش بینش خود اعتراف کنیم؟

ظاهرا "بعضی تفاوتی راهم فراموش کرده اند که در آن زمان با مردمی رانده اند که (خودا مرو زشا عانه و آشکار به فریب خودا قرار می کنند) و حالا از مردمی فاصله می گیرند که به مغز خود بهیبا داده اند. مردمی که بخانه ای اول، یعنی به پیش از آن مرحله ای بازگشته اند که به ورطه ای انقلاب و انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی و جمهوری دمکراتیک و دهیمنه ای از این تحفه های خلق الساعه "بشارت می گرفتند.

آن ها اجرای قانون و عدالت و استقلال را می خواستند، که معطل مانده بود، با یسان پیچید و پیچیده شد و چشم باز کردند و خود را در قفس سردوزخ یافتند. حالا هم همان را که نیمه راه کم کردند طلب می کنند و طبعاً "دفع مانع را شرط اول می دانند. اگر پیله های فرسوده را بشکافیم، صدای مردم را می شنویم.

پیدا است هنوز هستند عناصری که همچنان با ساخته های مغز خود تعارف دارند. زمانی حرفی زده اند و حالا روی آن ندارند که بگویند: "نفرشی دست داد" و یا دست کم از خود سؤال کنند: "از کجا آغا ز کرده و یکجسا رسیده ایم؟" - بشارت آن را ندارند که این "مرغ یک پا" را سر بر نند و خود را آسوده کنند.

بهر تقدیر آنچه را که با یدیا و رکنیم اینست که:

مردم راه خود را جستند - قافله هم برای افتاده است و یدیریا زود به مقصد خواهد رسید، و فردا هیچ منطقی (خاصه وقتی این دنیا دنیا تجربه و درس پشت سرمانده است) جدا نمی هارا ولو به بیبانه ای اختلاف در دیدها و سلیقه ها توجیه نخواهد کرد. یا دمان نرود که مردم، حالا اهل چون و چرا شده اند، چشم بسته تسلیم نمی شوند که خود حرف ها دارند.

## برکناری صیاه شیرازی.

### واهمه رژیم از ارتش

سرهنگ صیاد شیرازی هم به "شهادی زنده" انقلاب "اسلامی پیوست، او را از فرماندهی نیروی زمینی برداشتند و به جاییش یک سرهنگ دیگر، سرهنگ حسنی سعدی را منصوب کردند. اما بییش از آن که این سمت را از او بگیرند، یک مندلی در شورای عالی دفاع براییش گذاشتند. سید علی خامنه ای رئیس شورای عالی دفاع، علت آن برکناری را "مسئولیت خطیر" سرهنگ صیاد شیرازی در این شورا قلمداد کرده است. در کشور تا مل است که محسن رفیق دوست وزیر سپاه پاسداران و صیاد شیرازی فرمانده پیشین نیروی زمینی، همزمان به عضویت در شورای عالی دفاع پذیرفته شدند. واکنون این پرسش مطرح است که بر محسن رفیق دوست نیز بزرودی همان خواهد رفت که بر صیاد شیرازی رفت. است. آیا ملاها می خواهند ملاسه ای را که با ارتش می کنند، با سپاه پاسداران نیز بکنند؟ اگر مسئولیت به اصطلاح "خطیر" عضویت در شورای عالی دفاع چنان است که نمی توان به کارهای دیگر رسید، پس چرا رئیس آن سید علی خامنه ای در عین حال رئیس جمهوری اسلامی و امام جمعه تهران نیز هست؟ چرا اکبر رفسنجانی، بطور همزمان ریاست مجلس شورای اسلامی و امامت جمعه تهران را نیز عهده دارد؟ محسن رفیق دوست و محسن رفیق دوست - یکی فرمانده سپاه پاسداران و دیگری وزیر این سپاه - آیا در شورای عالی دفاع آن مسئولیت خطیر را ندادند که می توانند در عین حال به هر دو کار بررسند؟

پس از سر تیپ قاسمعلی ظهیرنژاد، سرهنگ صیاد شیرازی دومین عضو تمام وقت شورای عالی دفاع است. البته معلوم نیست که وی در این شورا چه سمتی دارد که چنان وقت گیر است که مانع از آن می شود که به کارهای دیگری برسد. مگر شورای عالی دفاع هفته ای چند روز و هر بار چند ساعت جلسه دارد که عضویت در آن به صورت یک "مسئولیت خطیر" در آمده است؟

درواقع به سرهنگ صیاد شیرازی هیچ مسئولیت خطیری ندادند. بلکه او را محترمانه از فرماندهی نیروی زمینی کنار گذاشته اند.

برکناری صیاد شیرازی پیش از همه یک چیز سیاسی را نشان می دهد، و آن اینکه رژیم اسلامی فرماندهان نیروهای مسلح را برای مدتی طولانی در یک سمت باقی نمی گذارد. در ارتش چنین است. در زمانداری و شهر با نی هم چنین است. رهبرانی کلانتری ها، رهبرانی شهر با نی شهرستان ها، فرماندهان نیروهای ارتش، مدام جابجا می شوند. رژیم همچنان از نیروهای مسلح، بویژه

ارتش، واهمه دارد.

سابقه سرهنگ صیاد شیرازی نشان می دهد که یک افسار ارتش، هر قدر هم کدر "خط امام" حرکت کند، چنان که گهگاه از این امتیاز برخوردار گردیده در نماز جمعه، دانشگاه تهران به سخنرانی بپردازد، هرگز از اعتماد حکومت ملاها برخوردار نخواهد شد.

صیاد شیرازی دست "امام" را بوسید و بر دیده نهاد. صیاد شیرازی، نه مانند یک افسروا قعی بلکه مانند یک عضو رژیم، کاسه امام را لیسید و دورت با او با دستان چید. سبزی آخوندها را پاک کرد و در سخنرانی ها و مناخیه ها پیش همان لاف ها را زد و گزافه ها را گفت که از زبان مبلغان حکومت اسلامی مدام می شنویم.

با وجود این، سرانجام به همان نجسا فرستاده شده که پیش از این قاسمعلی ظهیرنژاد را فرستاده بودند.

صیاد شیرازی اگر یک استثنا کرده باشد، این است که روزی در گزارشی به وزارت دفاع نوشت که پرسنل ارتش نا را می ست، و حق هم دارد که نا را می باشد. زیرا در مقابل سپاه پاسداران سپاه پاسداران خود را محروم احساس می کند. نوشت که اگر وضع ارتش بر همین منوال ادامه یابد، نا را رضای در ارتش ابعادنگران کننده ای خواهد گرفت.

از آن پس رژیم هیچ گامی در جهت رفع نا را بری ها میا ن ارتش و سپاه بر نداشت که هیچ، بلکه به شیوه مزورانه، خاص خود به بریدن شاخ و برگ ارتش ادامه داد.

نگرانی رژیم از ارتش و نیروهای مسلح چنان است که پروا از این ندارد که در زمان جنگ به سپاه ست تضعیف ارتش همچنان ادا می دهد.

رژیم اگر سر نوشت جنگ را به دست ارتش سپرده بود، مسلما "کشور امروز این قدر تلفات و خسارت نمی دید. ولی میا ن بن بست جنگ و تقویت ارتش، رژیم همان راه بن بست را ترجیح می دهد. سیاست جابجا کردن فرماندهان و رهبرانی نیروهای مسلح را به قیمت بی ثبات کردن نیروی تدافعی کشور همچنان ادا می دهد. رژیم احساس خطری نمی کند از اینکه یک فرمانده، از هر قماش کسی می خواهد باشد، در یک سمت ریشه بدواند.

برکناری سرهنگ صیاد شیرازی، پس از برکناری ظهیرنژاد، مهمترین تغییری است که در ارتش داده شده است. اما این، همان گونه که اولین تغییر نبود، آخرین آن نیز نخواهد بود.

## فروش انگشترهای ازدواج

در مورد کنترل نرخ ها، دولت عملاً به بیهودگی نرخ گذاری در شرایطی که رشته اقتصاد به کلی از هم پاشیده است متقاعد شده و نرخ کالاهای کثیرا لمصرف به میل گردانندگان با زار خاصه گروه "رفیق دوست" و دست اندکاران بنیاسد در مسئله میوه و تره بار بالا می بین می رود. بخش عمده ای از میوه های باغ های "بنیاد" مستقیماً به شیخ نشین ها صادر می گردد. امسال تهران نی ها تنها دوسه هفته هندوانه کای میونی با نرخ کم به خانه بردند و مجدداً با صدور هندوانه به شیخ نشین ها این محصول معروف ایرانی در ردیف کالاهای لوکس درآمد. کیلاسی کیلویی ۶ تومان و بقیه میوه ها در همین حدود است.

دریک آمارگیری از تعدادی مغازه میوه فروشی به این نتیجه رسیدیم که میزان بقیه در صفحه ۱۵



### کنفرانس مطبوعاتی نهضت مقاومت ملی ایران در آلمان

## ۶ سال نبرد برای استقرار دموکراسی

بقیه از صفحه ۱

### دیکتاتوری نعلین

دکتر بختیار در طول مبارزات خود، جز در کابینه دکتر ممدق با دولت های دیگر وقت همکاری نکرد. ولی وقتی در سال ۱۳۵۷ احساس کرد که ملیت و فرهنگ ایران در خطر است، با تاء کید برای پنهان کردن دیکتاتوری نعلین صدها پستکار خطرناک ترازدیکتاتوری چکمه است، سمت نخست وزیری را قبول کرد و در مدت ۲۷ روز حکومت خود توانست همه آنچه را که ملت برای آن سالها مبارزه کرده بود، به او بدهد؛ دیکراسی و آزادی، بختیار رفعا لیت احزاب را آزاد کرد، به روزنامه نگاران و نویسندگان آزادی بیان و قلم داد، ساواک را منحل کرد و مقامات انتخابی با آزادی پندگاران مجلس را فراهم می آورد که متاسفانه به دلایل ایجاد جو تهدید و آراساب، از سوی قشربون مذهبی موفق نگردیدند (....)

نماینده نهضت، در قسمتی دیگر سخنانی خود افزود: خمینی درباری با ریاکاری خاص خود، مردم را برای کسب دموکراسی و عدالت اجتماعی و حفظ استقلال وطن، یعنی همان شعار نهضت مقاومت ملی ایران دعوت می کرد. حکومت سابق دشمنان خود را در میان چوبه های جبهه ملی جستجو میکرد و در مقابل به آخوندکک مالی می کرد و آن ها را در مساجد آزادی گذاشت. ملاها نیز با استفاده از هسته های تبلیغاتی در مساجد، توانستند در ماههای آخر، کفایت ترازو را به نفع خود به حرکت در آورند. در حالی که جنبش ضد دیکتاتوری ایران به هیچ روی جنبشی مذهبی نبود. نماینده نهضت، در اینجا به ارائه بیان کوتاهی از حاصل حکومت آخوندها پرداخت و گفت: ملاها پس از پیروزی، دقیقاً برعکس گفته های خود عمل کردند؛ هزاران

حاکمیت ملی را کرده ایم. ما برخلاف گروه های افراطی، با چوب و چماق در فکر مرعوب کردن دیگران نیستیم، بلکه اصول فکری و عقاید خود را با منطق بیان می کنیم.

نماینده نهضت اضافه کرد: در جواب سؤال شما راجع به پناهندگان ایرانی به آلمان باید بگویم که ما مسائل و مشکلات مالی و اجتماعی شما را درک می کنیم، ولی فراموش نکنید که در زمان حکومت هیتلر و رایش سوم، دو میلیون آلمانی به کشورهای دیگر پناهنده شدند. جوانان ما بخاطر پول و رفاه مادی به کشورهای آزاد جهان روی نمی آورند. در ایران آن ها حتی از بدیهی ترین حقوق انسانی محرومند. کودکان در ایران به جبهه های جنگ فرستاده شده اند. شاید شما این جنگ را، جنگی بین تنها دو کشور ایران و عراق بدانید، اما ما معتقدیم که این جنگ می تواند هر دو قبیله بیک جنگ منطقه ای در خاور میانه یا حداقل منطقه خلیج فارس تبدیل شود.

حتی امکان دارد که پای کشورهای بزرگ به جنگ کشیده شود و ممکن است با شعله ور شدن جاه های نفت در خلیج فارس، بخصوص اقتصاد اروپا در هم بشکند.

نماینده نهضت در پایان سخنرانی خود، ضمن تشکر از حاضران اعلام کرد:

- ۱ - از دولت های دموکرات جهان خواهان خواستاریم نقض حقوق بشر را در ایران محکوم کنند.
- ۲ - از کشورهای صنعتی جهان می خواهیم از فروش اسلحه به جمهوری اسلامی عراق که باعث ادامه جنگ و طولانی شدن عمر رژیم خمینی میشود خودداری کنند.
- ۳ - از سران کشورهای بازمشتراک اروپا انتظار داریم در مرزهای ایران با عراق به جنگ جمهوری اسلامی و عراق نقض فعال تری بعهده بگیرند.
- ۴ - از کشورهای آلمانی که ملت آن اثرات شوم یک رژیم فاشیستی را با گوشه و پوست خود لمس کرده است می خواهیم در رابطه خود با جمهوری اسلامی تجدیدنظر کنند.
- ۵ - از نمایندگان و وسایل ارتباط جمعی که در حقیقت وجدان بیدار جامعه هستند تقاضا داریم تا جنبش آزادی جمهوری اسلامی را بیشتر افشا کنند.
- ۶ - از جامعه، پزشکان آلمان فدرال انتظار داریم تا از پزشکان ایرانی که به خاطر حفظ حیثیت حرفه پزشکی بسا رژیم جمهوری اسلامی در حال مبارزه هستند، دفاع کنند.

### سوریه مرکز تروریسم

نخست وزیر اسرائیل صریحاً اعلام کرد: سوریه بزرگترین مرکز تروریسم در خاور میانه است.

به نوشته روزنامه لوموند جاب باریس، شیمون پرنخت وزیر اسرائیل طی سخنانی کدرموسه سه ملی مطالبات استراتژیک در اسرائیل ایراد کرد. مستقیماً دمشق را مسئول دواقدام به بمب گذاری در هواپیماهای شرکت آوری کرد که طی این دواقدام تروریستی قرار بود پرواز روز ۱۷ آوریل ال عال از لندن، و پرواز ۲۶ مه شرکت هواپیمایی اسرائیل از اسپانیا در آلمان منفرشوند.

در مورد اول، بمبی که قرار بود در هواپیما منفجر شود قبل از حمله به داخل هواپیما کشف و خنثی شد، و در اسپانیا بمب کسه در چمدانی جا سازی شده بود، در محصل بررسی بلیط ها منفجر گشت و ۱۳ نفر را زخمی کرد.

نخست وزیر اسرائیل گفت: سوریه با این اعمال، خود را در معرض خطراتی قرار می دهد که دولت های حامی تروریسم بین المللی و منطقه ای را تهدید می کند. وی افزود: تمسک زیاد سازمان های تروریستی در خاک سوریه متمرکز شده اند و در پیای سوریه اخیراً در چند اقدام تروریستی دیده شده است.

لوموند خاطرنشان می کند که این نخستین باری است که نخست وزیر اسرائیل، چنین صریحاً و آشکاراً سوریه را مسئول بمب گذاری در هواپیماهای اسرائیل می داند.

در زمان وقوع این حوادث، با آن که وزیر دفاع اسرائیل، اسحق رابین، سوریه را مسئول این وقایع دانسته بود، اما شیمون پرنخت در زمان لحنی معتدل نسبت به سوریه در پیش گرفته بود.

شیمون پرنخت، در سخنرانی خود افزود: "سوریه علیرغم همه تکذیب ها و ردگم کردن هایش همچنان بزرگترین مرکز تروریسم در خاور میانه باقی مانده است."

روزنامه لوموند - ۹ اوت ۱۹۸۶

با آوری می کنیم که با سرعفات رئیس سازمان آزادی بخش فلسطین نیز سه شنبه گذشته (۵ اوت) در بغداد اعلام کردند چنانچه دولت فرانسه تقاضا کند آساده است برای آزاد ساختن گروگان های فرانسیسی دست به اقدام بزند.

خبرگزاری فرانسه - ۱۰ اوت ۱۹۸۶

### در اردوگاه های ترکیه:

### پناهندگان ایرانی و عراقی

اینجا کمپ پناهندگان در محله آجسی با دام استانبول است که حدود دو بیست و پنجاه نفر پناهنده از کشورهای ایران، عراق، افغانستان، شوروی، رومانی و مجارستان زندگی می کنند. پناهندگان ایرانی بعد از سال ۱۹۷۹ رفته رفته بیشتر شده اند. کشورهای که پناهندگان ما را می پذیرند درجه اول به آنجا بروند عبارتند از: آمریکا، کانادا، استرالیا در غیر این صورت پناهندگان ما را اندیکشورهای شمال اروپا پناهنده شوند. کارهای اداری فوراً لیته پناهندگان بطور متوسط ۶ الی ۱۲ ماه طول می کشد ولی استثنا های نیز موجود است، بعضی ها هستند که حدود دو سال است در کمپ زندگی می کنند ولی هنوز واردید ورود برای کشور دریافت نگرداده اند.

اکثر جوانان پناهنده خواستار ادامه تحصیل می باشند که در کشور خود از آن محروم شده اند. پناهندگان ایرانی و عراقی علیرغم جنگ کشوری در کمال حسن تفاهم کنار هم زندگی می کنند. یک جوان ۱۷ ساله ایرانی در جواب این سؤال که: وقت خود را چگونه می گذرانید؟ می گوید: سعی می کنم کتاب های درسی خود را مطالعه کنم و ضمناً اکثر اوقات با دوستانم از خاطرات خود صحبت می کنم. تعریف خاطرات گذشته بزرگترین سرگرمی ما است.

مجله یونی گوند - جاب ترکیه

### بیانیه جهاد اسلامی

سازمان تروریستی جهاد اسلامی، روز (۹ اوت) آزاد شدن گروگان های فرانسیسی را به آزاد شدن تروریست های عرب از زندان های اسرائیل، اروپا و کشورهای عربی موکول کرد. ویطسور ضمنی پیشنهاد تری ویت "نماینده اسقف کاتولیک نبروری، را که روز شنبه (۹ اوت) در نیویورک اعلام گردیده بود رد کرد.

"تری ویت" پیشنهاد کرده بود که مجدداً گفتگوی کلیه گروه های که در لبنان گروگان در اختیار دارند، از سر گرفته شود.

سازمان جهاد اسلامی در بیانیه ای که همراه با عکس "دبید جا کوبسین" یکی از گروگان های آمریکایی برای روزنامه لبنانی "النهار" فرستاده نوشته است: "از درخواست ها و تقاضا های ما با خبرید. بنابراین چرا به راه حلی جدی دست نمی زنید؟"

جهاد اسلامی در بیانیه خود خطاب به آنان که می گویند بنا به علل بشر دوستانه خواستار آزادی گروگان های فرانسیسی هستند، می گوید: اگر واقعاً خواهان اقدامات بشردوستانه هستید باید چنین اقدامی قبل از این که گروگان های فرانسیسی آزاد شوند از طریق آزادی مجاهدین ما در زندان های اسرائیل، اروپا و کشورهای عرب صورت گیرد.

جهاد اسلامی در قسمتی دیگر از بیانیه خود بشدت سیاست فرانسه و تحویل اسلحه از سوی این کشور به عراق را مورد انتقاد قرار داده است و می گوید: کسانی که در کنار رمدام حسین رئیس جمهوری عراق قرار گرفته اند، نمی توانند هیچگاه چیزی به بشریت هدیه کنند.

## قربانیان بی دفاع

بقیه از صفحه ۱

سیروان

"فاروق شکری"، گزارشگر و بیابان خیزگرای فرانسه، در گزارشی که از شهر "حلب" عراق در باره بمباران منطقه "سیروان" به وسیله جمهوری اسلامی فرستاده است، می نویسد:

اهالی "سیروان" می گویند: این شدیدترین بمبارانی است که ما ظرف ۶ ماه گذشته دیده ایم. سیروان در منطقه کردستان عراق قرار گرفته است و روز چهارشنبه گذشته (۶ اوت) هدف آتشباری توپخانه دوربرد جمهوری اسلامی قرار گرفت. بمب گزارش بیما رستان های اطراف، در اسرائیل آتشباری ۸۶ نفر کشته و ۱۴۴ نفر زخمی شدند.

گزارشگر خبرگزاری فرانسه می افزاید: دولت عراق از نمایندگان مطبوعات و دیپلمات های ۶۹ کشور مقیم بغداد دعوت کرد روز جمعه (۸ اوت) از آتشبار گلوله باران این شهر ۶ هزار نفری که در ۱۵ کیلومتری مرز ۶ کیلومتری سلیمانیه قرار دارد و اکثر جمعیت آن کثا ورز هستند، دیدار کنند. فاروق شکری می افزاید: در "سیروان" دیدار کنندگان، ویرانه های متعددی از خانه های خشت و گلی را دیدند که هر یک ۱۲ تا ۱۷ نفر را در خود جای می داد. این خانه ها در شکر گلوله های توپ ویران شده یا به آتش کشیده شده بودند. نمایندگان مطبوعات و دیپلمات ها همچنین بقایای مدرسه ویران شده شهر را دیدند که از چند ماه پیش بسا پناهگاه آوارگان روستا های مسیری

انسان را بدون محاکمه و بسط طور دسته جمعی تیرباران و یا راهی زندان کردند. زنان را خانه نشین ساختند. زنان ایران اینک حق ندارند حتی رنگ و مدل لباس خود را انتخاب کنند. کودکان را به جبهه های جنگ اعزام کردند و عملیات از تحصیل محروم کردند. اقلیت های مذهبی و قومی را قلع و قمع کردند و در پی صدور انقلاب خود به کشورهای همسایه بودند که همین باعث آغاز جنگ جمهوری اسلامی عراق گردید (۰۰). ما حمله عراق به ایران و همچنین دخالت خمینی را در امور داخلی کشورهای همسایه محکوم می کنیم.

نماینده نهضت افزود: ما معتقدیم این جنگ با پدید آسای قرار داد الجزایر بی پایان برسد و طرفین پس از تشریح مخاصمه به گفتگو بپردازند.

امروز ۲ میلیون ایرانی تهرک وطن کرده اند، سه میلیون آواره جنگی هستند و قریب سه تا چهار میلیون بیکار رند.

دولت جمهوری اسلامی قادر نیست حتی نیسی از بودجه مملکت را تاء مین کند.

تورم در حدی است که حتی افراد ثا غل نمیتوانند زندگی خود را اداره کنند. راتاء مین کنند، جز مشتی ملای ش اغسل و دست اندرکاران رژیم، وعده های پاسدار و بسیجی، بقیه مردم ایران ناراضی هستند و اکثر "مدما ت جبران ناپذیری از رژیم خورده اند. بسیجی ار

روا نیون به مخالف رژیم هستند. بسیاری از آیات عظام و مراجع تقلید بارها علیه رژیم اعلامیه داده اند و جنگ بین دو کشور مسلمان را محکوم کرده اند.

نماینده نهضت در قسمت دیگری از سخنرانی خود در کنفرانس مطبوعاتی نهضت در پارلمان آلمان افزود:

اکنون تمام کوشش ما آن است که مردم ایران را متحد و متشکل سازیم و در مبارزه بین اقشار مردم همتا همتا بوجود آوریم. در خارج از ایران سعی داریم ما هیت رژیم را به افکار عمومی جهان بشناسانیم و ایران را طرفدار تبدیل شده بود که زیر آتش توپخانه سه جمهوری اسلامی قرار داشتند.

یک روستای با تاء شر برای ما شرح داده که بیشتر قربانیان در اینجا جان خود را از دست دادند، زیرا این مدرسه محکم ترین ساختمان شهری بود و از ابتدای آتشباری جمهوری اسلامی، عده زیادی اینجا پناه آورده بودند.

گزارشگر خبرگزاری فرانسه می افزاید: در بیما رستان سلیمانیه که مصدومان بلافاصله پس از ختم آتشباری جمهوری اسلامی، در آنجا بستری شده اند و اکثر آن ها زن و بچه هستند، یک مسادر هیجده ساله را دیدیم که برای طفل ۶ ماهه خود می گریست، وی می گفت جده اش را در آرمیباران جمهوری اسلامی، زیر آوار از دست داده است.

در ۴۸ ساعت گذشته ۱۲ نفر از زخمی ها جان سپرده اند و بدین ترتیب تعداد تلفات ۷۴ به ۸۶ کشته رسیده است. رئیس بیما رستان سلیمانیه گفت: بسیاری از مجروحان به علت شدت سوختگی در وضع وخیمی بسر می برند.

قیام ایران: - این گزارش چنانکه از متن برمی آید شرح مشاهدات مستقیم خبرگزار است، ما سخنگوی تبلیغات جنگ جمهوری اسلامی، گلوله باران سیروان را به شدت تکذیب کرد. و مدعی شد که عراق راست می گوید از زهیات کارشناسی سازمان ملل برای بازدید منطقه مورد حمله دعوت به عمل آورد. این سخنگوی فراید: عراق برای حمله های خود به شهرهای ایران مشغول زمینه سازی است.

### دکتر رزم آرا در مصاحبه با رادیو لوکزامبورگ

## رژیم خمینی و سوگند نامه بقراط

موضوع اعتصاب پزشکان ایرانی همچنان در رسانه‌های گروهی بین‌المللی مطرح است. در تاریخ ۶ اوت رادیو لوکزامبورگ برشنویده‌ترین فرستنده رادیویی فرانسه زبان، در برنامه خبری ساعت ۸ با مداد خود در همین زمینه، مباحثه‌ای با دکتر منوچهر رزم آرا وزیر بهداشتی کا بینه، دکتر شاپور بختیار، عضو پیشین هیئت مدیره نظام پزشکی ایران و استاد پیشین دانشکده پزشکی به عمل آورد.

مفسر رادیو لوکزامبورگ ابتدا گفت: نمی‌دانم کلمه "غرب زدگی زدانی" وجود دارد یا نه، اما بهر حال این سخن نظر دارد برای پزشکان ایران تجویز کند.

پزشکان ایران دیگر نمی‌توانند بدون توجه به احکام اسلامی، به حرفه خود عمل کنند. اکثریت قریب به اتفاق آنان این امر را نپذیرفته‌اند و از ده روز پیش در حال اعتصاب بسر می‌برند. مفسر رادیو لوکزامبورگ افزود: دکتر رزم آرا وزیر پیشین بهداشتی کا بینه، دکتر بختیار، رهبر نهضت مقاومت ملی ایران، ارتباط خود را با پزشکان ایران حفظ کرده است و اکنون در مصاحبه‌ای با "کریستین مالار" راجع به اوضاع پزشکان ایران سخن می‌گوید.

دکتر رزم آرا گفت: مشکلاتی که در ایران برای پزشکان ایجاد شده چند نوع است. نخست این که پزشکان نمی‌توانند وفاقاً اسرار حرفه‌ای خود را حفظ کنند. زخمی‌ها و کسانی که پزشکان و جراحان مراجه می‌کنند که مخالف رژیم‌اند، کمیته‌ها و سازمان‌های امنیتی رژیم به پزشکان فشار می‌آورند تا مشخصات این قبیل بیماران و مجروحان را در اختیار آن‌ها قرار دهند.

کریستین مالار، گفت: آقای دکتر رزم آرا، گفته می‌شود که پزشکان مردحق معاینه و معالجه بیماران زن را ندارند.

دکتر رزم آرا پاسخ داد: بلی، کلمه "ملا" صحیح است. بویژه متخصصان مرد بیماری‌های زنان حق ندارند با آنان را مورد معاینه قرار دهند.

کریستین مالار افزود: خمینی می‌گوید چنانچه پزشکان مرد به معاینه زنان ادامه دهند آن‌ها را به فحشا و فسق و فجور یا عملیات جنسی دسته‌جمعی در بیمارستان‌ها سوق خواهند داد. دکتر رزم آرا گفت:

بلی. میدانید، این رژیم برای اجرای هدف‌های خود زهریها نسه‌ای استفاده می‌کند و از انجام هیچ کاری روی گردان نیست. برای این رژیم بسیار ساده است که پزشکان را به هر عمل زشتی متهم کند و این کار را هم کرده است. همچنین پزشکان که حاضر نشده‌اند شرایط رژیم را بپذیرند و در اعتصاب شرکت کرده‌اند، مورد هجوم پاسداران قرار گرفته‌اند.

پاسداران و عمال رژیم به مطب آن‌ها ریخته‌اند، غارت کرده‌اند و شکسته‌اند، حتی بسیاری از آن‌ها را مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند و سپس به زندان برده‌اند. هیچ بعید نیست که رژیم چند نفر از آن‌ها را نیز اعدام کند.

دکتر رزم آرا افزود: از سوی دیگر انجام وظیفه در حرفه پزشکی در اوضاع بی‌ثبات و درهم‌ریخته، ایران بسیار مشکل شده است. از یک طرف جنگ پیدا می‌کند، از طرف دیگر شرایط بهداشتی که حتی در زمان رژیم گذشته‌ها از اشکال نبود، بسیار وخیم‌تر شده است.

تا بحال بیش از ۸ هزار پزشک ایران را ترک کرده‌اند و هم‌اکنون با احتساب پزشکان پاکستانی و هندی که رژیم استخدام کرده است حداقل بیش از ۱۳ هزار پزشک در ایران باقی نمانده‌اند. می‌بینید که شرایط بسیار دشوار است به این مشکلات باید کمیبود وسایل و تجهیزات پزشکی و کمیبود دارو نیز افزود. دکتر منوچهر رزم آرا در پایان مصاحبه، خود با رادیو لوکزامبورگ گفت: پزشکی حرفه‌ای است که برای آن که بتواند بطور مؤثر انجام گیرد احتیاج به آزادی عمل در زمینه‌های اجتماعی، اخلاقی و حرفه‌ای دارد. و این آن چیزی است که رژیم شدت با آن مخالفت می‌کند.

### چماق علیه

### چاقوی جراحی

اعتصاب پزشکان ایران در مطبوعات و رسانه‌های گروهی غرب انعکاس وسیعی یافته است.

روز گذشته (۵ اوت) رادیو لوکزامبورگ، یکی از معتبرترین رادیوهای فرانسه زبان اروپا در بخش خبری ساعت ۶ بعد از ظهر خود گزارشی در

## گزارش‌های ایران

بقیه از صفحه ۱

گیلان و مازندران مستقیماً به علت کمبود خریدهای برنج وارداتی بود که بخوبی از اول امسال برنج صادراتی خوراک عمده مردم ایران بخصوص دو استان گیلان و مازندران ناگهان از کیلوئی ۴۵۰ ریال در پی دو ماهه به کیلوئی ۷۰۰ ریال افزایش یافت. به اعتراف روزنامه کیهان چاپ تهران رشد غیرعادی بهای برنج به آنجا رسید که سلف‌خرها محصول آبی برنج را کیلوئی ۷۰۰ ریال سلف‌خری می‌کردند که مطمئناً با توجه به بهره‌پول - هزینه حمل و نقل و انواع عوارض در آینده نزدیک بهای برنج از مسویری بیکهزار ریال در یک کیلوخوار گذشت. دولت در روز چهارشنبه چهارم تیرماه علی‌رغم سانسور و حشتناک اخبار و اطلاعات اعتراف کرده است که مسوولان اقتصادی برای رسیدگی به مسئله کمبود برنج و نان در دو استان گیلان و مازندران تشکیل جلسه داده است. این اعتراض ضمنی از دولتی که سانسور اخبار و اطلاعات را در بدهای انگیزی دنبال می‌کند عظمت و گستردگی فاجعه را نشان می‌دهد. گرانی برنج سبب شده مردم این دو استان علی‌رغم عادت

گوشت که از قلام اساسی غذایی مردم ایران است به صورت آزا در تهران کیلوئی ۱۴۰۰ ریال و در اغلب شهرستان‌ها از جمله مشهد که یکی از مراکز تولید گوشت و دام است کیلوئی ۱۶۰۰ ریال عرضه می‌شود. گوشت دولتی که به بهای هر کیلو ۵۷۰ ریال توزیع می‌گردد اکنون به هفته‌ای یکبار توزیع تقلیل یافته و صف‌های طولی به وجود آمده است و گوشت کوپنی که بهر نفرد ماه چیزی حدود یک کیلو تعلق می‌گیرد به علت خدانی می‌رود. یکی از علل بالاتر بودن نرخ گوشت در شهرستانها

باره اعتصاب و وضع پزشکان ایران بخش کرد.

مفسر خبری رادیو لوکزامبورگ گفت: در ایران خمینی زده، چماق علیه چاقوی جراحی بکار افتاده است. رژیم جمهوری اسلامی اکنون متوجه پزشکان شده است و تحت عنوان لزوم رعایت اصول قرآن به تفسیر خمینی، آن‌ها را مجبور می‌کند به دستوراتی که خلاف حرفه پزشکی است گردن نهند. مثلاً "طبق قانون جدید، پزشکان مردحق معالجه زنان را ندارند. مفسر رادیو لوکزامبورگ آنگاه از روزنامه نگار معروف فرانسوی کریستین مالار، که میهمان برنامه بود پرسید: نظر شما در این باره چیست؟

کریستین مالار، گفت: هم‌اکنون ۱۳ هزار پزشک ایرانی علیه حکومت مذهبی روح الله خمینی، یعنی دخالت دین در امور ملگتی، بی‌اساس هستند. این ۱۳ هزار پزشک بخاطر قبول نکردن دستورات خمینی هر لحظه در خطر دستگیری، زندانی شدن و حتی اعدام قرار دارند.

از تاریخ ۲۸ ژوئیه گذشته صدها نفر از آن‌ها از جمله یازده تن اعضاء شورای ملی نظام پزشکی در خانه‌های خود یا بیمارستان‌ها و محل کار، دستگیر شده‌اند. پاسداران رژیم با ضرب و جفاقی و حتی با تهدید آره برقی، پزشکان را از مطب خود بیرون کرده‌اند و سپس مطب آن‌ها را غارت کرده و مدارک آن‌ها و پرونده‌های بیماران را به آتش کشیده‌اند. پیام خمینی به پزشکان کاملاً روشن است: "یا او میرا اطاعت کنید یا برای حبس و اعدام آماده شوید".

کریستین مالار در رادیو لوکزامبورگ افزود: خمینی به پزشکان مرد متخصص بیماری‌های زنان می‌گوید شما دیگر حق ندارید با آنان را معاینه و معالجه کنید. زیرا این عمل ترویج فساد و ترغیب زنان به فحشا محسوب می‌شود. از این پس تنها پزشکان زن حق معالجه بیماران زن را دارند. که تلاشی غیر ممکن است. خمینی گویند فراموش کرده است که برای ۲۳ میلیون نفر زن ایرانی، یک هزار و ششصد پزشک زن بیشتر وجود ندارد.

از سوی دیگر خمینی از پزشکان می‌خواهد مخالفان رژیم را که برای معالجه به آن‌ها مراجعه می‌کنند، به دستگا‌های امنیتی معرفی کنند. از آن‌ها می‌خواهد که مجازات‌های شرعی قطع انگشت، دست و پا را، در مورد مجرمان اجرا کنند. اما پزشکان ایران در مقابل این خواسته‌ها فریاد مخالفت سر داده‌اند. آن‌ها می‌گویند امور مربوط به پزشکی کارملایان نیست. ما حاضر نیستیم به نام اسلام خمینی به قرون وسطی با زگردیم. ما اعتصاب خود را تا پای جان دنبال خواهیم کرد.

نسبت به تهران سیاست ساکت نگه داشتن تهران از سوی دولت است.

دولت بخوبی میدانده که با سکوت یک سوم جمعیت فعال ایران در تهران - این غول مهیبی است که در صورت بیداری و تحرک یکسره به عمر نکبت با رژیم خاتمه خواهد بخشید. به همین دلیل کلیه مکانات موجود دولت در درجه اول، علی‌رغم مدعای دولت که تمام توجهش به روستاهاست، در تهران و حومه متمرکز شده است. کمیود بسیاری از کالاهای ضروری نظیر ما بون، پودر لبا شوئی - دارو، چندانم زودتر در شهرستان‌ها آشکار شده بود. در زمینه کمیود گوشت غیر از تنگنای ارزی و عدم قدرت خرید گوشت وارداتی از سوی دولت، صدور هزاران راس گوسفند به خارج از کشور در برنامه تشویق صادرات است.

آقای منتظری در خطابه معروف خود در برابر روزنامه نگاران خودی که کاملاً از موضع ضعف و نگرانی ایراد کردند در زمینه مصرف گوشت به مردم تذکره دهید "با با جانان نه بیخال و نه فریب‌زور داشتند، فلاسک هم نداشتند، این تشریفات را نداشتند". آقای منتظری ظاهراً "به عقل ناقص خود استفاده از ساده‌ترین دستا وردهای عصر صنعتی و تمدن شهرنشینی را" تشریفات "قلمداد کرده است.

## قلمرو خصوصی

### خوئینی‌ها!

بقیه از صفحه ۱

روز دیگر طبل و دهل موسی خوئینی‌ها آن را خنثی کند.

موسوی خوئینی‌ها با اشاره به اعتصاب پزشکان، حرکت اعتراضی اخیر پزشکان را یک حرکت سیاسی بعنوان رودرویی با نظام جمهوری اسلامی توصیف کرد و گفت: ما با این مسئله برخورد جدی می‌کنیم و اینکه مدیادویست پزشک از کشور خارج شوند، برای ما هیچ اهمیتی ندارد.

موسوی خوئینی‌ها ضمن اشاره به مطبوعات جمهوری اسلامی که همیشه یکنواخت و شبیه هم است، خواست که روزنامه‌های دولتی کیهان، اطلاعات و جمهوری اسلامی با توجه به کمیبود کاغذ یکی شوند و اضافه کرد که روزنامه‌های ما گرفتار خودسانسوری شده‌اند و حرفی برای خوانند در روزنامه‌ها موجود نیست.

موسوی خوئینی‌ها، عوام‌فریبانه روزنامه‌ها را سرزنش می‌کند که چرا از عملکردهای مراجع و دستگا‌های جمهوری اسلامی انتقاد نکرده‌اند. جالب اینجاست که روزنامه جمهوری اسلامی چند روز بعد در سرمقاله خود به داستان جمهوری اسلامی پاسخ می‌دهد: "ما انتقاد کرده‌ایم، شما نخواهید! خودسانسوری هم نکرده‌ایم!" و به

گفته موسوی خوئینی‌ها ایراد گرفته است که چرا باید روزنامه‌ها یکی شوند، و بالاخره اظهار نظر کرد: آیا چنین پیشنهادی مفهومی این نیست که این روزنامه‌ها اکنون توسط دولت کنترل می‌شوند؟ آیا این متهم کردن دولت به سانسور روزنامه‌ها نیست؟

روزنامه جمهوری اسلامی در همین سرمقاله می‌افزاید: "آقای دادستان کل کشور خوبست بدانند که نویسندگان، خبرنگاران و مسئولان روزنامه جمهوری اسلامی این سخن ایشان را یک اها ت آشکاره خود تلقی می‌کنند و انتظار دارند ایشان ضمن آنکه احترام به تصحیح اظهارات خود می‌کنند، از این پس بجای این گونه اظهار نظرها وقت‌گرا نباشد خود را صرف رسیدگی به اوضاع نه چندان خوب خود قضا می‌کنند که تاکنون بیش از آنکه شاهد عمل باشد، شاهد شعرا ریبوده است ..."

### سقوط یک میراژ

### بر فراز آصفهان

یک فروندها پیمای متجاوز عراقی از نوع میراژ صبح امروز بر فراز منطقه آصفهان هدف قرار گرفت و سرنگون شد. مقامات نیروی هوایی کشور ضمن تأیید این خبر اعلام کردند تلاش برای یافتن لاشه هوا پیمای با استفاده از هلی کوپتر در منطقه آغاز شده است. بگزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی صبح امروز (۱۱ اوت) چند هوا پیمای متجاوز عراقی به آسمان منطقه آصفهان تجاوز کرده و یک واحد صنعتی در حومه این شهر را بمباران کردند. در جریان این بمباران ضمن وارد شدن خسارات جزئی یک آتش سوزی روی داد که بلافاصله توسط مأمورین آتش نشانی مهار شد. در جریان این حمله دوتن از هموطنانمان شهید و شانزده تن نیز مجروح شدند. بر اساس این گزارش یک فروندها پیمای هوا پیمای مهاجم عراقی از نوع میراژ بهنگام ترک آسمان منطقه هدف آتش پرچم پدافند مستقر در منطقه قرار گرفت و سرنگون شد. از سرنوشت خلبان این هوا پیمای عراقی تاکنون اطلاعی نرسیده است.

رادیو جمهوری اسلامی - ۱۱ اوت

### تلفن خبری

نهضت مقاومت ملی ایران - لندن

شماره ۲۲۱۰۶۶۸



# ریگان نفوذ ناپذیر

بخشی از روزنامه نگاران امریکایی آقای ریگان را " رئیس جمهور نفوذ ناپذیر " لقب داده اند. ریگان، این لقب را بیهوده کسب نکرده است، چرا که در واقع، هیچ چیزی او را تحت نفوذ قرار نمی دهد، نه تهدیدهای اخیرها در امریکه که مرگ را گرد سر سه گروگان اسیر در لبنان بگردش در آورده اند، نه سنوار ویدئوی ترجمان نگیز یکی از گروگانها که گشیش " لاورنس جنکو "، گروگان آزاد شده با خود آورده و اخیراً از تلویزیون بخش شده است، و نه تقاضاها و درخواست های مصرانه و مکرر خویشان گروگان ها و نما بندگان کنگره.

لوما تن می نویسد:

هیئت حاکمه امریکا هیچگونه تغییری نکرده است. ریگان می گوید: " مانده زیر بار هیچ معامله ای می رویم، ونه امتیازی می دهیم."

پیام شفا می روز جمعه ریگان صریح و خالصی از گروگان گیران، صریح و خالصی از ریگان در ملاقات با پدر جنکو در کاخ سفید صریحاً " به وی گفت که برای آزاد سازی گروگان ها همچنان نرسد خداوند " دعا خواهد کرد "، اما او مسئولیت هر عقوبتی را که از این سازش ناپذیری حاصل آید از عهده خود ساقط کرده است. او در طی یک سخنرانی گفته است: " من به نام صلح و عدالت اعلام

می کنم که اکنون زمان آن رسیده است که به کارگروگان گیران و حامیان آنان پایان داده شود. " این گفته نشان دهنده موضع محکم و نفوذ ناپذیر بخشی از مقامات حاکمه امریکایی است. رونا لدریگان و دستیارانش، بدرست یا به نادرست برای عقیده اند که حل مسئله گروگان ها به دست سوریه و پرزیدنت حافظ اسد است. سوریه می تواند با استفاده از امکانات خود جها د اسلامی را تحت فشار بگذارد و گروگان امریکایی را آزاد سازد.

پدر جنکو که خود آورنده پیام جهاد اسلامی برای ریگان بوده است، و کاخ سفید، محتوای پیام مزبور را هنوز فاش نکرده اند.

مضمون این پیام ظاهراً " با پدیده ای دوباره بردخواست های گروگان گیران ونوعی تکرار " آخرین هشدار " باشد که گروگان گیران روز شنبه در لبنان اعلام داشتند.

از نظر همکاران ریگان، آزاد سازی پدر لاورنس جنکو نشانه کوتاه آمدن گروگان گیران است که خواسته اند با آزاد سازی وی و بادعای انگیزه های " انسان دوستانه " حفظ هر کنند...

لوما تن - ۵ اوت

## تهران - مسکو

### سفر يك هیأت ایرانی به شوروی

تهران که به ویژه به صورت تربیت خلبان های جنگی است، در برده نگاه می دارد. بنظر می رسد که نگرانی مسکو در مورد دخالت های جمهوری اسلامی در امور داخلی افغانستان که این روزها وسعت یافته است، بیش از پیش شدت گرفته است.

از سوی دیگر، سخنگوی وزارت امور خارجه اتحاد شوروی روز دوشنبه چهارم اوت در یک کنفرانس مطبوعاتی در مسکو اعلام کرد که دو کشور موافقت کرده اند تا تکنیسین های شوروی که سه سال گذشته به دلیل خطرهای ناشی از جنگ ایران و عراق، ایران را ترک گفته بودند، به این کشور بازگردند. آقای لاریحانی در این سفر با گرومیکورثیس جمهوری و شوارنا دزه وزیر امور خارجه شوروی دیدار و گفتگو کرده است.

خبرگزاری فرانسه - ۴ اوت ۱۹۸۶

تلفن خبری

همه پنهان عزیزا

هر روز تلفن خبری نهفت

مقامت ملی ایران

از ساعت ۱۱ صبح شمارا

در جریان آخرین خبرهای

ایران و جهان قرار

می دهد.

شماره تلفن:

۸۵-۸۵-۲۶-۴۳ پاریس

## واقع بینی

بدنبال اظهارات هاشمی رفسنجانی به غلامرضا حدادی کاردار جمهوری اسلامی در فرانسه، مبنی بر این که " فرانسه چنانچه خواستار بهبود روابط با جمهوری اسلامی است باید واقع بین تر باشد "، روزنامه لومنتن چاپ پاریس نوشت:

آیا با دیدگر عادی شدن روابط فرانسه و جمهوری اسلامی درین بست قرار گرفته است؟ آیا سخنان هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی که به عنوان مرد شماره ۲ ایران از او نام برده می شود مبنی بر این که فرانسه باید " واقع بین تر باشد " ناشی از اختلافات متعددی است که در باره مذاکرات تهران - پاریس بین سران جمهوری اسلامی وجود دارد یا وی قصد داشته است با این سخنان به رهبران فرانسه هشدار دهد که وضع مذاکرات از نظر جمهوری اسلامی رضایت بخش نیست؟

لوما تن می نویسد: سخنان رفسنجانی یک هفته بعد از سفر هیئت فرانسوی به تهران برای مذاکره در باره اختلافات مالی دو کشور ظاهر می شود. بنا بر این پیداست که پنج بار دیدار در ماه گذشته و سفر علیرضا سعیدی معاون نخست وزیر جمهوری اسلامی به فرانسه، نتوانسته است هنوز راه حلی برای بازپرداخت وام یک میلیارد دلاری ایران بیابد.

دولت شیراک، منظور عادی سازی روابط با جمهوری اسلامی، مجاهدین را روانه عراق کرده اند که بعد دو گروگان فرانسوی در لبنان آزاد شدند، اما هنوز مسائل متعددی بین دو کشور وجود دارد. از جمله مسئله فروش اسلحه فرانسوی به عراق و مسئله آزادی " نیس نقاش " رئیس تروریست ها می که قصد داشتند شاپور بختیار، رهبر نهضت مقاومت ملی ایران را به قتل برسانند.

لوما تن - ۵ اوت ۱۹۸۶

## اجلاس اوپک

### توافق نا فلگیر کننده

سیزده کشور عضو اوپک سرانجام روز ۴ اوت پس از ۸ روز مذاکرات مشکل و پیچیده توافق کردند که برای جلوگیری از کاهش بهای نفت، به مدت دو ماه تولید خود را کاهش دهند.

بر اساس این موافقتنامه تولید کل اوپک که به ۲۵ میلیون بشکه در روز رسیده بود، به ۱۵ میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه در روز کاهش خواهد یافت. به گفته منابع مطلع نزدیک به اوپک عراق خارج از موافقتنامه فعلی قرار داد و مجبور نیست سهمیه تولید سابق خود را که معادل یک میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه در روز بود را بکشد. در این حال غلامرضا آقا زاده وزیر نفت جمهوری اسلامی گفت: " با وجود این عراق نمی تواند بدیش از سقف کل اوپک تولید کند، زیرا ما خود، تولید نفت عراق را کنترل خواهیم کرد. " وی توضیح داد که چگونه تولید نفت عراق را کنترل خواهد کرد. سهمیه تولید نفت ایران بر اساس این موافقتنامه ۲ میلیون و سیصد هزار بشکه در روز تعیین شده است. چنانچه عراق همچنان سطح تولید فعلی خود را که معادل یک میلیون و ۹۰۰ هزار بشکه در روز است حفظ کند تولید کل اوپک به حدود ۱۶ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه می رسد که با از تولید قبلی روزی ۲۰ میلیون بشکه کمتر است.

قبل از اعلام موافقتنامه مذکور، به بهای نفت خام تکراس بیش از ۱۵ درصد افزوده شد و به بشکه ای ۱۳ دلار و ۴۹ سنت رسید.

خبرگزاری فرانسه - ۵ اوت ۱۹۸۶

## افزایش بهای نفت

بدنبال موافقتنامه کشورهای عضو اوپک در ژنو مبنی بر کاهش تولید نفت خود، بهای نفت " برنت " دریایی شمال، صبح سه شنبه ۵ اوت در لندن بطور محسوسی افزایش یافت و از ۱۰ دلار در تاریخ ۴ اوت به بشکه ۱۲ دلار برای تحویل در ماه سپتامبر رسید.

قبل از کنفرانس ژنو، در تاریخ ۲۳ ژوئیه بهای نفت برنت به پایین ترین حد خود از زمان استخراج آن یعنی، بشکه ای ۸ دلار و ۵۰ سنت رسیده بود.

در باره رنویورک در آخر وقت روز پنجشنبه اوت بهای نفت که ناگهان بالا رفتند بود قدری کاهش یافت. بهای نفت " وست تکراس " که معیار بهای نفت در امریکاست با مداد روز پنجم اوت به ۱۵ دلار و ۵۵ سنت رسید اما آخر وقت همین روز با اندکی کاهش ۱۵ دلار و ۴۰ سنت معامله شد. بسیاری از کارشناسان نفتی معتقدند دوران نفت زیر بشکه ای ده دلار فعلاً سپری شده است.

کارشناس یکی از مؤسسات پیش بینی بهای نفت در نیویورک اظهار داشت تا قبل از پایان سال جاری بهای نفت مجدداً به بشکه ای ۲۰ دلار خواهد رسید.

خبرگزاری فرانسه - ۶ اوت ۱۹۸۶

## مواضع شرق و غرب

شرق و غرب از جمهوری اسلامی و عراق خواستند که هر چه زودتر به جنگ خلیج فارس پایان دهند.

روز گذشته ۵ اوت ایالات متحده از جمهوری اسلامی خواست تا دست از جنگ بردارد. ایالات متحده از پاساژ منفی جمهوری اسلامی به درخواست صلح بغداد که روز شنبه ۴ اوت در نامه سرگشاده صدام حسین خطاب به رهبران رژیم تهران عرضه شده بود، اظهار تاسف کرد.

چارلز ردمن، سخنگوی وزارت امور خارجه امریکا اظهار داشت: " ما خواستار راه حلی صلح آمیز برای پایان دادن به جنگ میان جمهوری اسلامی و عراق هستیم.

مخالفت رژیم تهران با تقاضای صلح اخیر صدام حسین آخرین نشانه آشتی ناپذیری این رژیم در این جنگ است.

وی افزود که: ما همچنان امیدواریم که جمهوری اسلامی در باره ادامه دادن به جنگی که تا کنون برای هر دو کشور سخت گران تمام شده است، تجدیدنظر کند.

یادآوری می شود که رژیم تهران پیشنهاد صلح صدام حسین را رد کرد و تاکید کرد که تا سرنگونی رژیم وی جنگ ادامه خواهد داشت.

روز گذشته ۵ اوت انگلستان به نام با زار مشترک اروپا که خود ریاست آن را بر عهده دارد، از جمهوری اسلامی و عراق خواست تا مانع گسترش جنگی شوند که ۶ سال است ادامه دارد.

بنا بر اطلاعیه با زار مشترک " ۱۲ کشور عضو با زار مشترک اروپا از افزایش تعداد دوشدت حملات دور رژیم جمهوری اسلامی و عراق به یکدیگر و بیرون بردن در مناطق مسکونی و شهرها سخت نگران اند. با زار مشترک از دو طرف خواسته است تا حملات کور خود را به شهرها پایان دهند و هر چه زودتر از خشونت های موجود دست بردارند.

خبرگزاری فرانسه - ۶ اوت ۱۹۸۶

### رادیو ایران ساعت های بخش برنامه

برنامه اول

ساعت ۷/۳۰ تا ۸/۳۰ و ساعت ۱۷ تا ۱۸ به وقت تهران: روی امواج کوتاه ردف های ۲۵ متر ( فرکانس ۱۱۷۵۰ کیلو هرتز )، ۳۱ متر ( فرکانس ۹۵۸۵ یا ۹۵۹۲ کیلو هرتز ) و ۴۱ متر ( فرکانس ۷۱۷۰ کیلو هرتز ).

برنامه دوم

ساعت ۶ تا ۶/۵۵ روی امواج کوتاه ردف های ۱۹ متر ( فرکانس ۱۵۶۵۰ کیلو هرتز ) و ۳۱ متر ( فرکانس ۹۴۰۰ کیلو هرتز ) و ساعت ۲۲ تا ۲۲/۵۵ به وقت تهران روی امواج کوتاه ردف های ۳۱ متر ( فرکانس ۹۴۰۰ کیلو هرتز ) و ۴۱ متر ( فرکانس ۷۰۷۵ کیلو هرتز ).



# فرهنگ ایران

## افشین و بودلف

دکتر محمد جعفر نجیب

# داستانی جذاب از تاریخ بیهقی

گفتم : اللاله یا امیرالمؤمنین که این خونگی است ناحق ... گفت همچنین است که تومی گویی ... اما کار از دست من شده است که افشین دوش دست من بگیرد است و عهد کرده ام به سوگندهای گران کسبه اورا از دست افشین نستانم و نفرمایم ( = دستور ندهم ) که اورا بستانند . گفتم : یا امیرالمؤمنین این درد را درمان چیست ؟ گفت :

... جز آن نشناسم که تو هم اکنون نزدیک افشین روی ... و به تضرع و زاری پیش این کار را زوشی ، چنان کسبه البته به قلیل و کثیر از من هیچ پیشانی ندهی تا مگر ( = شاید ) حرمت تو نگاه دارد و دست از بودلف بدارد و وی را تباها نکند ... پس اگر شفا عت شو ردکنند ، قضا کار خود بگرد و هیچ درمان نیست .

احمد گفت : من چون از خلیفه این بشنودم عقل از من زایل شد و یا زکشم و بر نشستم ( = سوار شدم ) و تنی چند از کسان من که رسیده بودند با خود بردم ، و اسب تا ختن گرفتم چنان که ندانستم که در زمین من دیرتر آسمان و روز نزدیک بود اندیشیدم که میباید من دیرتر رسم و بودلف را آورده باشند و کشته ... چون به درستی افشین رسیدم حایجان وی به عجله پیش من دویدند بر عادت گذشته ، و ندانستند که مرا به عذری باز بیا بگردانند که افشین راست نا خوش آید در چنان وقت آمدن من ... مرا به سرای فرود آوردند ... و من قوم خویش را گفتم تا به دهل بزنند و گوش به آواز من دارند .

چون میان سرای رسیدم ، یافتم افشین را بر گوشه ای ( صدر ) = بالای مجلس ) نشسته ، و نطقی ( بساط چرمین که برای کشتن محکومان به کار می رفته ) پیش وی فرود مفسه ، باز کشیده ، و بودلف به شلواری ، و چشم بسته آن جا بنشاند ، و سیاف ( = جلا ) منتظر آن که بگوید : ده ( = بکش ) تا سرش ببندد از زد .

چون چشم افشین بر من افتاد ... از خشم زرد و سرخ شد و برگ ها از گردنش برخاست . عادت من با وی چنان بود که چون نزدیک وی شدم ، برابر آمدی ، و سر فرود آوردی چنان که سرش به سینه من رسیدی ، این روز از جای برخاست و توهینی بزرگ کرد . من از آن نیندیشیدم ... و بوسه بر روی وی دادم و بنشستم ... در من سنگریست . من بر آن سرکردم و جدی پیوستم ( = سخنی گفتم ) تا اورا بدان مشغول کنم مبادا که سیاف را گوید شمشیر بران ، البته سوسوی من سنگریست ... از طرزی دیگر سخن پیوستم ستودن عجم را که این مردک از ایشان بود ، و عجم را شرف بر عجم نهادم ، هر چند دانستم که اندران گناهی بزرگ است ... سخن شنیدم ... گفتم یا امیر خدا مرا فدای تو کناد ، من از بهر قاسم عیسی ( = ابودلف ) آدمم ... تا وی را به من بخشید ... به خشم گفتم : بنخشیدم و بنخستم ، که وی را امیرالمؤمنین به من داده است و دوش سوگند خورده که در با وی سخن نگویید تا هر چه خواهم کنم ... من با خود گفتم : یا احمد ، سخن تودر شرق و غرب روان است و تواز چنین سگی استخفاف ( = سبک کردن ) کنی ؟ باز دل خوش کردم که هر خوارگی که پیش آید بیاید کشید از بهر بودلف را ...

برخاستم و سرش را بیوسیدم و بی قراری کردم ، سود داشت ، با ردیگر گفتش بوسه دادم ، اجابت نکرد ، و باز به دستش آدمم و بوسه دادم ، و بدید که آهنگ زانو دارم تا بوسم . از آن پس به خشم مرا گفتم :

... تا کی از این خواهی بود ؟ به خدای که اگر هزار بار زمین را بیوسی هیچ سود ندارد ...

دل تنگی و خشمی سوی من شتافت و با خود گفتم : این چنین مرداری و نیم کافری بر من چنین استخفاف می کند ... مرا چرا باید کشید ؟ از بهر این آزاد مرد بودلف خطری بکنم ، هر چه با داد باد ، و روادارم که ... به من هر بلایی رسد . پس گفتم :

... ای امیر ، مرا از آزادی آن چه آمد گفتم و کردم و تو حرمت من نگاه نداشتی ، و دانی که خلیفه و بزرگان درگاه وی ، چه بزرگ تروچه خرد ترا تو مرا حرمت دارند ، سیاست خدای را که تورا منت در گردن من حاصل نشد . اکنون پیغام امیرالمؤمنین منین بشنو : می فرماید که قاسم عیسی را کشت و تعرض بکن و هم اکنون به خانه باز فرست که دست توازوی کوتاه است و اگر او را بکشی شورا بدل وی قصاص کنم !

چون افشین این سخن بشنید لرزه بر اندام او افتاد ... و گفت : این پیغام خداوند به حقیقت می گزاری ؟ گفتم : آری ، هرگز نشنوده ای که فرمان هکسای اورا برگردانیده ام ؟ و آواز دادم قوم خویش را که در آید . مردی سی و چهل در آمدند . ایشان را گفتم : گواهی بایشان که من پیغام امیرالمؤمنین منین معتمد می گزایم بر این امیرالمؤمنین افشین ، که می گوید : بودلف

وی گاه در ضمن تاریخ ، برای تنوع ، یا عبرت گرفتن خواننده یا پند و اندرز ، یا اظهار هنر خویش ، از حوادث روزگاران گذشته ، به مناسبت موقع داستانی را نقل می کند ، وی به دستا و بیزهای از این گونه " که کتاب ، خاصه تاریخ ، با چنین چیزها خوش باشد ، که از سخن سخن می شکا فدتا خوانندگان را نشاط افزاید ... " بنا هنرمندی و مهارتی خاص خویش به منحه آرای داستانی می پردازد و پس از شرح آن با زیر سر " تاریخ را ندان خویش می رود . آنچه برای خوانندگان گسترایی برگزیده ایم یکی از همین داستانها ، " حکایت افشین و خلاص یافتن بودلف از وی " است . این افشین شاه زاده ای است از نواحی دوردست خاور ایران ، از نواحی سغد و سمرقند ، از محلی که آن را اسروشنه گویند . وی از دوست به دشمن روی آورده و وقتی تمام سرداران عرب از مقابله با خرم دینان و سواران رسیدنشان با یک عاجز آمدند ، وی از جاه طلبی و به سودای دست یافتن به مال و مقام در برابر خرم ، دستگیری با یک رابرهده گرفت و به آذربایجان رفت و - شاید با فراموشی خود به صورت دوستی متفق - با یک را دستگیر کرد و به بغداد آورد و به دست جلاهد سپرد . به گفته بیهقی آن روز افشین چون از جنگ با یک خرم دین فارغ شد " و فتح برآمد و به بغداد رسید ، معتمد ... فرمود ... چنان با یک چون افشین به درگاه آید همگان اورا از اسب پیاده شونده و در پیش او بروند تا آن گاه که به من رسید . " و وزیر معتمد حسن بی ساده سهل با آن بزرگی که اورا بود در رکاب وی بیاده بی آمدن جیش او را دید که می رفت و پای های افشین در هم می آویخت ، بگریست و حسن بدید و چیزی نگفت . اما دشمن هرگز دوست نشود . سخنان خلیفه را در حلق افشین در این داستان خواهد خواند . اما آنچه در این داستان نیامده این است که افشین سرانجام مزد این خدمت را از خلیفه گرفت . اورا به تهمت بی دینی و زندیق بودن فرو گرفتند و به خوارگی تمام کشتند . در این داستان مردی عرب نژاد است که خلیفه اورا به دست افشین که دشمن خوئی او بود باز داده بود . احمد قاضی خلیفه به طرزی شگفت در راهی وی می گوید . در ضمن این داستان نمونه هایی از خصومت و تشدد عرب و عجم و نژاد پرستی ، عربان ، و شگفت تر از همه ، برتری نهادن بیهقی عرب را بر عجم ، خواهد دید . اما جالب توجه تر از همه استادی و مهارتی است که بیهقی در پردازش و آرایش صحنه های گرم و پرهیجان و شگفت انگیز این داستان به کار برده است . این شما و این داستان " افشین و بودلف " .

\*\*\*

در طی این گفتارها در مقام رده بندی متن های نثر فارسی از نظر شهرت و محبوبیت گفته بودیم که گلستان سعدی مرتبه نخست و کلیله و دمنه بهرام شاه مقام دوم را در رتبه دومین درجه را گروهی از چهره مقاله و جماعتی از آن تاریخ بیهقی می دانند . اگر چه مقاله از نظر فصاحت و زیبایی نثر با اثر جلال و بیجان خواجه ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی دبیر پهلوزند ، باری از نظر فواید تاریخی و اجتماعی نه آن کتاب ، که هیچ کتابی در میان متن های تاریخی و ادبی طرف نسبت و قابل مقایسه با این اثر گران مایه نیست . کتاب بیهقی دارای بیست و چهار مجلد بوده ، و ظاهراً " مؤلف در پایان عمر توفیق یافته بوده است که " تا لیفا این اثر کوپیکر را به پایان آورد و تمام این ۲۴ جلد در شرح فرمان روایی و تاریخ روزگار حکمرانی سلسله غزنوی است که دوران اوج قدرت ایشان بیش از پنجاه سال ، یعنی روزگار امیری محمود و مسعود نسبت و سایر امیران این سلسله بسا قوی روزگار خود را به صورت فرمان روایی درجه دوم خراج - گزار و زیر دست سلجوقیان بوده اند . بیهقی به گفته خود شرح حوادث تاریخ را از سال ۴۰۹ هجری قمری آغاز کرده و به سال ۴۷۰ در گذشته است و اگر تاریخ را تا آخرین سال زندگی خویش نیز ادامه داده باشد این ۲۴ جلد مربوط به کمتر از ۶۱ سال خواهد شد . در نتیجه می توان حدس زد که وی در کار نگارش تاریخ خویش تا آن جا که ممکن بوده به ذکر جزئیات حوادث پرداخته و اسناد و مدارک تاریخی ، نامه ها ، عهدنامه ها ، بیغام های کتبی ، نامه های خصوصی به انشاء کاتبان و وزیران و شاهان و متن سخنان ایشان را در کتاب خود آورده و گاه حوادث را به قید ساعت و روز و سال و ماه شرح داده است . افسوس که آنچه از این تاریخ بزرگ و بی نظیر و ما قفا ندر دست داریم ، بخشی از جلد پنجم ، جلد های ششم تا نهم و قسمتی کوتاه از جلد دهم ، یعنی کمتر از پنج جلد است و باقی آن به تاریخ حوادث رفته و صفحاتی بسیار معدود از آن ها در کتابها و مسددا رک ادبی و تاریخی بعدی نقل شده است .

این تاریخ بیهقی که در دست ما است از شرح حوادث پس از مرگ سلطان محمود ( ۴۲۱ ) آغاز می شود و به شگفت فاحش پسرش مسعود از سلجوقیان در دستان نقیستان مرو ( ۴۲۱ ) با این می یابد . تاریخی که آخرین چاپ آن در ۹۴۵ صفحه در مشهد انتشار یافته ، شرح حوادثی است که در کمتر از ده سال رخ داده است . بیهقی در عین حال مورخی بسیار رتبه و امین است . می گوید تا حد مقدور فقط حوادثی را که خود شاهد آن بوده است شرح دهد ، و خود را و نیز عمری در دستگاه دبیرخانه محمود و مسعود و فرزندان ایشان گذرانیده است ، و آن را با اسناد و مدارکی که برای نوشتن این تاریخ از ابتدای کار خویش تهیه می کرده ، و رونوشتی از نامه ها برای خود برمی داشته است . مورد تایید قرار دهد . در درجه دوم مطالب را از کسان نقل می کند که به راست گویی و فضل ایشان مطمئن است و مقام هریک را برای خواننده نیز می نویسد . مثلاً : " و من که این تاریخ پیش گرفته ام ، التزام ... بکرده ام تا آنچه نویسم یا از معاینه ( = مشاهده ) من است یا از شماع درست از مردی ثقه ( = مطمئن ) ، و پیش از این ... کتابی دیدم به خط استاد ابوریحان ، و او مردی بود در ادب و فضل و هندسه و فلسفه ، که در عصر او ، چون او دیگری نبود ، و به گزاف چیزی ننوشتی ، و این دراز از آن دادم تا مقرر گردد که من در این تاریخ چون ( = چگونه ) احتیاط می کنم . "

بیهقی می دانند که بیشتر مردم خواستار اسناد و مدارک و قصه های پر لاف و گزاف و بی پایه اند و عده دوستداران حقیقت بسیار کم است . با این حال وی برای ایمن گروه اندک ، کتاب می نویسد : " و کتاب همچنان است که هر چه خواننده آید از اخبار که خرد آن را در ننگند ، شنوده آن را با و درآورد ، و خردمندان آن را بشنوند و فرستادند . و بیشتر مردم آنند که باطلی معتمد را دوست تدارند ، چون اخبار دیو و پری و غول بیابان و کوه و دریا ، که حقیقی هنگام مسازد ( = معرکه بگیرد ) گروهی همچون او ( = حتم ) گرد آید و وی گویند در فلان دریا جزیره ای دیدم ، و با نصدتن چایی فرود آیدم در آن جزیره ، و نان پختیم و دیگر ها نهادیم . چون آتش تیز شد و تیش ( = حرارت ) بدان زمین رسید از جای برفت ، نگاه کردیم ماهی بود و به فلان کوه چنین چنین چیزها دیدم ، و پیرزنی جاساد و مردی را خر کرد ، و با زپیرزی جا دوگوش او را به روغنی ببیند و تا مردم گشت ، و آنچه بدین مانند ... که خواب آرد نادان را ، و چون شب برایشان خوانند ، و آن کسان که سخن راست خواهند تا با و درآوردند ، ایشان را از نادانیان شمرند ، و سخت اندک است عیب ایشان ... و بیهقی برای این گروه اندک می نویسد .



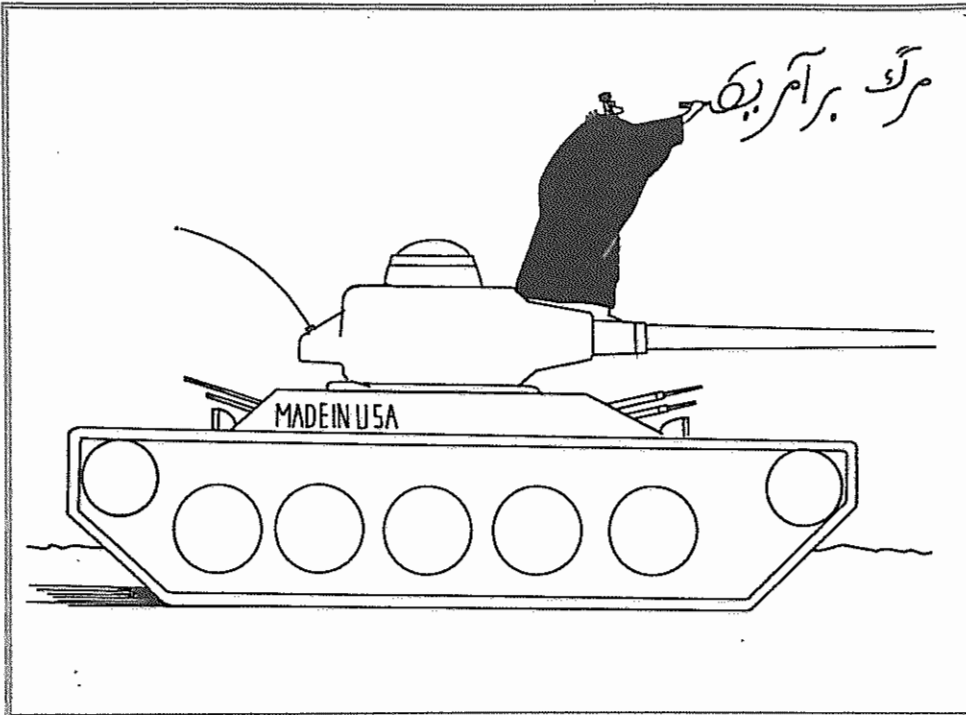
هوشنگ وزیری

آیت‌الله، امروز خطرناک‌تر از دیروز

بتا زگی در خبرها بود که ملکه الیزابت در لندن ورونا لدریگان رئیس جمهوری آمریکا دروا شنگتن ، مورد معاینه پزشکی قرار گرفته اند . در هر دو مورد ، پزشکان اعلامیه صادر کرده مردم را از وضع جسمانی سران کشورها پیشان مطلع کرده اند . صدوراطلاعیه‌های نامبرده مسلمانان برای ارضاء حس کنجکساوی مردم نیست ، بلکه جوابگوئی به این نیاز و این حق مسلم مردم است که بدانند آنان که برکشورشان سلطنت یا حکومت می کنند ، تندرست هستند یا نیستند ، آیا می توانند امور مملکت را بدرستی بگردانند یا نمی توانند . مردم می خواهند بدانند ، حق نیزه دارند که بدانند ، سرنوشتشان در دست چه کسانی است .

ملکه انگلیس ، هر چند که وظایف بیشتری تشریفاتی دارد ، اگر در یاد کسیه نخواهد توانست از عهده تکالیفی که بر اوست ، برآید ، حتما " اصرار نخواهد ورزید که در مقام خود باقی بماند . این واقعیت دربار ره رئیس جمهوری آمریکا بیشتر صادق است . زیرا او فقط وظایف تشریفاتی ندارد . قدرتی که در دستهای رئیس جمهوری آمریکا متمرکز است ، در هیچ کشور دموکراتیک برای هیچ کس وجود ندارد . ولی قدرت او قدرت مطلق نیست ، قانون اساسی آمریکا مکان یک کنترل دموکراتیک را از راه های گوناگون فراهم آورده است . به نحوی که او نمی تواند به هر جا که خواهد ، بپردازد ، کشورش را به هر سو که خواهد ، بکشد . ارگان های قانونگذاری ، دادگستری ، مطبوعات در رهگذر این کنترل دموکراتیک فقط چند نمونه هستند . آنچه بر نیکسون رئیس جمهوری پیشین آمریکا ، در ماجرای واترگیت رفت ، کافی است تا مرزها و محدودیت های قانونی بالاترین مقام آن کشور به معنی نیرومندترین مرد جهان را از حیث سیاسی ، نشان دهد . مثال ملکه الیزابت و رئیس جمهوری آمریکا دوم نمونه در دو کشور آزاد جهان اند . اما حتی مردم کشورهای بوسگسلاوی و سرزمین آسیای جنوب شرقی فراتر از حدی که داشتند از وضع مزاجی کسانی که بر آن ها حکم می راندند با خبر باشند . برونوع جسمانی چرنکو و آندروپوف نیز برده اسرار چندان کلفت نبود که نتوان به پشت آن

هوس های بلند پروازانه خود بسود ، می خواست با ارتشی که هرگز با اوسا زگار نبود ، وسای که با شتاب سرهم بندی کرده بود ، رویای های جهانگشا یا نشاءش را تحقق بخشد . اما امروز بدان سبب که قوای عقلی و فکریش روز به روز بیشتر تحلیل می رود ، با زیچه دست قدرت هائی نیز شده است که بیشترین سود را از این جنگ خانما نسوز می برند . اگر این بازی تا زه ای که در موضوع نفت صورت گرفته است ، کاملاً روشن شود ، آنگاه روشن خواهد شد که او یک نیز به دست خمینی متلاشی شده است . به یاد داری که برای قانع کردن عربستان سعودی و کویت تا از سقوط آزاد بهای نفت جلوگیری کنند ، چه ماه موریت ها و مسافرت ها در سطوح گوناگون انجام گرفت ، اما این دو کشور را درکننده نفت حرف هیچ یک از دوستان و نزدیکان خود



خمینی ، از آن روز که میهن ما را به ادا مه این جنگ ویرانگر و خونریز کشتا نید ، شاید هنوز می دانست چه می کند و به کجا می خواهد برود . ولی گزارش های پزشکی که از منابع مستقل گوناگون به دست می رسد ، حکایت از آن دارد که او را باید در ردیف بیماران روانی آورد که به مسئولیت کارهای خود ، آگاه نیستند . اگر در میان گروه های حاکم کنونی ، شخصی یا دسته ای وجود داشت که می توانست آیت الله را سر جای خود بنشانند ، شاید می شد درباره راه حلی از درون رژیم بحث کرد . ولی پیدا شدن چنین کسی یا گروهی ناممکن و نامحتمل است . آیت الله خمینی یک روز با زیچه هوا و

زاگوش نکردند ، بلکه منتظر ماندند تا به پیشنهاد دغلامرضا آقا زاده وزیر نفت جمهوری اسلامی ، گردن نهند ! عجیب نیست ؟ اما آیت الله اگر امروز نیز مانند دیروز نمی تواند پیروزی ای بدست آورد ، ولی کمتر از دیروز در تصاحب قوای عقلانی خویش است و به همین دلیل امروز به مراتب خطرناک تر از دیروز شده است و فردا نیز از امروز خطرناک تر خواهد شد .

بیانیه دانشجویان

هوادار نهضت مقاومت

ما دانشجویان هوادار نهضت مقاومت ملی ایران در یک گردهمایی توطئه انجمن سال زمان نظام پزشکی ایران و جایگزین ساختن آن با سازمان دیگری تحت نفوذ و کنترل رژیم مرتجع و خدایران آخوندی را محکوم و پشتیبانی خود را از مقاومت و خواسته های برحق پزشکان صبیح و انسان دوست که برای دفاع از حقوق حرفه ای و علمی خود با هیئت حاکمه به مخالفت برخاسته اند اعلام میداریم . " ایران هرگز نخواهد همدرد " دانشجویان هوادار نهضت مقاومت ملی ایران - از میر ، ترکیه

حسینعلی مشکان  
وای به حال امریکا!

آیت الله خمینی در پیام به حجاج ایرانی ، خریدار متعانه امریکائی را حرام شرعی اعلام کرد و سرپرست حجاج طوسی تلگرافی از جده به جماران اطلاع داد که حجاج بکصدایم تاریخی حضرت امام را لبیک گفتند و تمیم گرفتند جنس امریکائی نخرند . چارلی چاپلین در یکی از فیلم هایش تصویری از یک هنرپیشه تئاتر را کشه می کشد که پیرو فرستودا نام لخمیر شده است و می خواهد هدیه همان با زیهائی که زمانی برای معروفیت و محبوبیت بهارستان آورده بود دوباره صحنه را تخریب کند ولی نه خودش دیگر آن هنرپیشه جوان چالاک است و نه با زیها پیش مشعل گذشته خریدار دارد ، ازینرو بجای هلهله تحسین ، خنده های استهزاء و الفاظ توهین آمیز نصیبش می شود . امام خمینی به چنان حال و روز افتاده است . شعارهای فدا امریکائی آقای امام بدلیلی در یک روزگاری همچنان مردم را برمی انگیزد . یکی از آن دلایل جوشد امریکائی حاکم برجها ن سوم ، بخصوص از جنگ ویتنام به اینطرف بود . امریکائی ها در جنگ دوم جهانی بعنوان یک نیروی آزادی بخش وارد صحنه شدند و هنگامی که جنگ به پایان رسید چندانکه هی دنیا بعد از جنگ را تحت تاثیر خود قرار دادند زیرا در حالی

نگیرد ! " و چند آیت قرآن و اخباریفا مبر علیه السلام بیاوردم . بخت دید و گفت : راست همین با بست که کردی ، و به خدای عزوجل ، سوگند خورم که افشین جان از من نبرد ، که وی مسلمان نیست ! ... "

دنیاله قصه مورد توجه ما نیست ، بودلف را با عزت و احترام بسیار به خانه احمد می فرستند و حاجب معتمد با خلعت بدان جا می آید و او را با اکرام فراوان به خانه می برد . افشین نیز ، همان گونه که معتمد سوگند خورده بود ، با همه این خدمات از معتمد جان به سلامت نمی برد . او را به بیانه های او می دستگیر می کنند و با عقوبت فراوان به قتل می رسانند ، اما آنچه هنوز برای ما ایرانیان حل نشده است ، این است که آیا افشین ، با وجود خیانت ها و نا جوانمردی های که کرده بود ، تا مسلمان تر است یا معتمد ، که در زندگی نامه وی نوشته اند وی به راه قوم لوط می رفت ( جرمی که در جمهوری اسلامی جزای آن سنگسار کردن است ) و برای تفریح و انبساط خاطر دستگیر می داد که زندگانی چون عقرب و مار را در جاده غلامان و کنبیزان زرخیدوی ببیند زند و از مشا هده در دورنج و تشنج و به خود پیچیدن ایشان لذت می برد ، و پس از آن که این زندگان خوب آن پسران و دختران معصوم را می کشید و تمام زهر خود را به جان آنان می ریختند البته از شرط شفقت و راه فتنی که میرو منمان راست دستور می فرمود تا برای حفظ جان ایشان ، تریاق به آنان بخوراند و طبیعتا دستگاه خلافت اسلام ، آن بخت برگشتگان را مورد درمان قرار دهند !

در شماره های آینده ، داستان های دیگری از تاریخ گران بهای بیهقی را با شما عزیزان در میان خواهیم گذاشت .

افشین و بودلف

داستانی جذاب از تاریخ بیهقی

قاسم را مکش و تعرض مکن و به خانه با زفرست که اگری را بشکستی تو را بیدل وی بکشند . پس گفت ای قاسم ! گفت لبیک ( = بلی ) گفتم تن درست هستی ؟ گفت هستم - کس های خود را نیز گفتم : گواه باشیدن درست است و سلامت است . گفتند : گواهییم !  
و من بخشم با زگشتم چون مدفوشی ، و با خود می گفتم : کشتن او را محکم تر کردم ، که اکنون افشین در رسد و امیرالمومنین گوید : من این پیغام ندادم ، باز گردد و قاسم را بکشد ... چون به خادم رسیدم عرق بر من نشسته بود . بار خواستم ، مرا با رخو است و درون رفتم و بنشستم . امیرالمومنین چون مرا بدید بر آن حال ، به بزرگی خویش خادمی را بفرمود که عرق از روی من پاک کرد ، و گفت : تو را چه رسید ؟ گفتم ... امروز آنچه بر من رسید در عمر خویش یاد ندارم . در پیغام مسلمانیا که از زلیبیدی تا مسلمانان این ها یاد کشید ! گفت : قصه را باز گوئی ! آغاز کردم آنچه فرشته بود بشرح با زگفتم . چون آن جا رسیدم که بوسه بر سرافشین دادم ، آن گاه برکتف ، آن گاه بردود دست و آن گاه سوی پاشیدم و افشین گفت : " اگر هزار بار زمین بوسه دهی مسود ندارد ، قاسم را بخوام کشت " افشین را دیدم که از در در آمدن کمر و کلاه ... من بفردم سخن را ببریدم و با خود گفتم : اتفاق بدبین که با امیرالمومنین منین نگفتم که از تو پیغامی که نداده بودی بگذارم که قاسم را نکشد . هم اکنون افشین حدیث پیغام کند و خلیفه گوید که من این پیغام نداده ام ، و رسوا شوم و قاسم کشته آید !

اندیشه من این بود ، و ایزد دیگر خواست ، که خلیفه راست درد کرده بود از بوسه دادن من برکتف و دست و آهنگ پای بوس کردن ، و گفتن او که اگر هزار بار بر زمین بوسه دهی سوندنا رد !  
چون افشین بنشست ، بخشم امیرالمومنین را گفتم : خداوند دوش ( = دیشب ) دست من بر قاسم گشاده کرد ، امروز این پیغام درست است که احمد آورد که او را نباید کشت ؟ معتمد گفت :  
- پیغام من است ، و کی تا کی شنیده بودی که احمد از ما و پدران ما پیغامی گزارد ، به کسی ، و نه راست باشد ؟ اگر دوش ، پس از الحاح که کردی ، تورا اجابت کردیم در با قاسم ، بیای بدانت که آن مرد چا کر زاده خانان ماست ، بخرد آن بودی که او را بخواندی و به جان بروی منت نهادی و او را به خویشی و با خلعت با زخانه فرستادی ، آن گاه آورده کردند بیو عبدالله ( = احمد ) از هم زشت تربود - ولگمن هر کسی آن کند که از اصل و گوهر وی سزد - و عجم عرب را چون ( چگونه ) دوست دارد ، با آنچه بدیشان رسیده است از مشیرونیزه ایشان ؟ بازگرد ، و پس از این هشیار تر و خویشتر دار تر باش !  
افشین برخاست ، شکسته و بدست و پای مرده ( = نگران و نا راحت ) ، و بر رفت .  
چون بر رفت معتمد گفت : یا با عبدالله ، چسبون رواداشتی پیغام نداده گزاردن ؟ گفتم :  
" یا امیرالمومنین ، خون مسلمانان ریختن نپسندیدم ، و مرا مزدبا شد ، و ایزدتعالی بدین دروغم



# نامه‌ها و نظرها



حاج تمام یا قسمتی از نامه‌ها و نوشته‌های خوانندگان کرامی فقط برای منعکس کردن نظریات و عقاید و برداشتهای شخصی نویسندگان نامه‌هاست و لزوماً به معنای موافقت و همراهی بی‌ارگان مرکزی نهضت مقاومت ملی ایران با مفاد همه این نوشته‌ها نیست. از نویسندگان نامه‌ها تقاضا می‌کنیم نام و نشان خود را ذکر کنند و در صورتیکه نخواهند نامشان چاپ شود یا آدرسونشان نامشان محفوظ بماند. افزون بر این، از چاپ نامه‌هایی که در آن‌ها نسبت به اشخاص و گروهها هتک حرمت شود و یا عفت و بزرگواری قلم ملحوظ نگردد، معذوریم. انتخاب عنوان نامه‌ها از ماست.

## احزاب ملی، پشتوانه دموکراسی

جمعی زبان به دعوی عشق گشوده‌اند ای جان فدای آنکه دلش با زبان یکی است.

نویسنده محترم - آقای‌ها دی بهزاد

(...) یک واقعیت این است که محیط دموکراسی در محیط اجتماعی ما بیشتر موضوعی است مخصوص برگزیدگان، تحصیل کرده‌ها و شاید بیشتر آنها که تحت تأثیر سیستم فرهنگی غرب قرار گرفته و اکثر اوقات (نه همیشه و در تمام موارد) جذب مظاهر ظاهری تمدن غرب شده‌اند. از دنیای زیبا و انسانی و منحصر بفرد فرهنگ اجزای خودکده‌ها طرات و تجربیات سه هزار سال سرد و گرم زندگی را دارد نه فقط بی خبرمانده حتی در مسواری و گردان نیز نشده اند و در حالی که کشور همیشه زشرف تا بیده و خواهد تا بیاید.

غرب را مثل آفتاب با دستها ندوتقریباً در تمام موارد بدون مراجعه به اساسهای ریشه‌ای و برانتر اشتباهی سخت جانگداز، تکنولوژی غرب را با تمدن و انسانیت مخلوط کرده‌اند.

واقعیت دوم این است که در محیط حکومت ملی "ملت ایران مجموعه" آحاد و افرادی است با فرهنگ‌ها و نژادها و زبان‌ها و ادیان مختلف که در اقلیم‌های مختلف و متضاد و فقط در محدوده‌های جغرافیائی و سیاسی سرزمینی به اسم ایران زندگی می‌کنند و هر چند هم در زندگی روزمره و عملی به همسپاری درجه یک و دو... (حداقل از نظر حکومت مرکزی) تقسیم می‌شوند معذرت که هم‌شان به یک اندازه عزت نفس دارند و همه به یک سان به فرهنگ آباء و اجدادی خود دلچسپی و بنا بر این در تکوین حکومت ملی در معنای واقعی باید که این فرهنگ‌ها شرکت کنند و تفهیم داشته باشند نه انسان‌های سرسپرده و از خود بی‌خبری که در ظاهر نما بیننده فرهنگ‌ها و نژادها ولی در واقع تسلیم خواست‌ها و سیاست‌های غیر انسانی سیستم مرکزی بوده باشند. چون آنچه در گذشته از دموکراسی نصیب قاطبیه‌ها اهالی شده است این بوده است که "روشنفکران" در تعقیب و ساقط رفاهی خود به صورتی که با شکر شکر شده‌اند و از این رها کردن چیزی قانع انسان عوام‌المناس نشده است و بنا بر این اگر حکومت ملی آینده حتی علی‌رغم انتخابات سالم و درست - در همان شکل و شمایل گذشته به انسانها عرضه شود شخصاً "امیدوار نیستیم که کار به سامان برسد. در این میان خصوصیات نژادی و زبان مادری که عامل بسیار مهم اساسی هستند جادارد روی آن تعمق بیشتری بکنیم. (...)

متأسفانه سخنان در کشور ما در طول سالین در از و علی‌رغم اضمحلال اعلامیه حقوق بشر خطاهای غیر انسانی فراوانی بر هم وطنان رفته و با اعتقاد به لزوم حفظ یکپارچگی کشور به نوا میس بسیار اولیه و انسانی افراد آن قدر بی حرمتی شده است که موضوع امروزه به عنوان یک اصل و یک امر عادی و کاملاً "منطقی تلقی میشود. مثلاً "اگر کسی صحبت از زبان‌های مادری و نژاد "لهجه‌های ملیون‌ها انسان بکنند خالت‌دانی و حتی تهاجمی می‌گیرند و گوینده را به آنچه که نشاید منتهم می‌کنند. اما در این حال همگان که شیفته تمدن

امید و انرژی بی حد در راه تلاش برای این تمدن مکتبی تمدنی که در آن تمام افراد کشور از اجرای عدالت اجتماعی و همگانی مطمئن باشند و این چنین است که انسان‌ها در زیر آسمان خود احساس غرور و شخصیت و احترام خواهند کرد و با ورتان خواهند شد که در شهری که بدان شان در آنجا خاک کرده‌اند و در میهنی که برای خاطر آن - حداقل به علت مرز نشینی - خون ریخته‌اند ناحق نبوده است. شهری که...

کوچه‌های تنگ و تاریک و پر گرد و خاک همیشه مخلوط با خاطرات شان هستند و بوی خاک خشک آن به مشام شان، زیبا تر از هر پاریس دیگری است.

## مردم سالاری

در طول جنگ جهانی دوم و قبل از آن و بعد از آن چقدر شاهدان و شاهدانی می‌بینیم برستی واقعی در کشورها شکی بوده ایم که انسان‌ها در آنجا حرمت و حق و حقوقی واقعی داشتند و چه در بی‌پایه بوده است تظاهرات وطن پرستانه در کشورها که انسان‌ها به عنوان یک وظیفه اخلاقی و برپایه بند و اندر زها و بر حسب دستور نظر هر به رئیس پرستی به عنوان سمبل میهن پرستی کرده‌اند. ملاحظه می‌فرمائید که در میهن نا زنین ما قبل از ملی گرائی و حکومت ملی نیاز توری و مبرمی به مردم گرائی هست که در آن صورت ملی گرائی خود بخود عملی خواهد شد. این واقعیتی است که حداکثر پشتیبانی و محبوبیت را رهبران سیاسی دیده‌اند که مردم گرا بوده‌اند بی‌شک احساس‌ها و قلوب انسان‌ها خط سباب کرده‌اند و آن‌ها را بدنبال خود برده‌اند. در این میان موجودیت یک فرد به عنوان سمبل و حداکثر نیت کشور به شرط این که معتقد باشد و متعهد باشد در برابر سرکند خودش صداقتی که به موضوع اصلی منافع ندارد. (...)

در ختم مقال ما دقایق پیشنهادی دارم بر اساس تئوری که کما ملأ شخصی است. از سه مرحله رشد لازم برای تأسیس یک زندگی معمولی در اجتماعات انسانی یعنی ۱ - رشد جسمانی - ۲ - رشد حرفه‌ای - ۳ - رشد اجتماعی سیاسی نیاز بیشتر هم میهنان به شوق سوم پیوسته از آن یکی هاست و نضج و رشد این مرحله برای ما که سابقه و تجربه‌های در آن بسازیم نداریم جز دیدن تعلیم در یک مکتب سیاسی یعنی یک حزب راه دیگری وجود ندارد. جمع شدن چند نفر متعهد و برگزیده برای موفقیت یک ملت کافی نیست. در گذشته شما و همکارانتان چندین بار رگله مند بوده‌اید که چه جوانان "راه‌مصدق" زانمی شناسند.

جواب ساده و واقعی این است که کسی با دشان نداده (همان طور که هرگز تاریخ واقعی و سرگذشت درست ملت ما را بماندند) نه فقط جوانان، بنده غیر جوان نیز که در تمام عرصه‌های مبارزاتی هم برای خاطر همه پرستی صدق به پای صندوق رأی رفته‌اند نمی‌دانم که به فرزندم یاد بدهم در حالیکه هنوز فریادهای احساساتی هم میهنان در خیابان‌های تهران و توی اتوبوس‌ها که شیشه‌ها را می‌لرزاند در گوشم هست که می‌گفتند: از جان خود گذشتیم با خون خود نوشیم یا مرگ یا مصداق گویا در خاطرات سیاسی خلیل ملکسی دیده باشم که وقتی به ایشان یعنی به دکتر مصدق پیشنهاد داده است که پایه‌های سیاسی فعالیت‌های خودشان را در چارچوبه اساسنامه یک حزب سیاسی تدوین کنند ایشان به علت اینکه خواسته‌اند همگان و نه فقط عده‌ای حزبی در نهضت شرکت کنند از این کار سر باز زده‌اند. در حالی که اگر این کار می‌شد آن وقت همگان هم جوانان و هم غیر جوانان از اصول "راه‌مصدق" آگاه می‌بودیم و ایمن گله را در مقام روابط فرزند و پسر در همیشه از آن مرد محترم داشته‌ام که در این جا بازگو کرده‌ام.

خلاصه آن که عقیده دارم برنامه‌های یک روش سوسیال دموکراسی به شکل یک حزب باید به تمام ایران عرضه شود. انسان‌ها در مکتب حزب باید تمرین دموکراسی و لزوم چگونگی احترام به عقاید دیگران را بیاموزند و بگیرند. به عقیده‌ام این تنها شرط اساسی پایه ریزی یک زندگی متمدن در کشور ایران است (...)

کانادا - امضاء محفوظ کوتاه شده از نامه مفصل

## چرا نامه‌ها را چاپ نمی‌کنید؟

(...) در رابطه با اسلحه فروشی دولت اسرائیل و حضور افسران بازنشسته اسرائیلی در ایران مرقومه‌ای تقدیم داشتم که پس از مدت‌ها هنوز ترتیب اثری به آن نداده‌اید. فکر کردم شاید مدارک لازم در این زمینه موجود نیست و به این دلیل نامه‌های حقیر بی‌تأثیر مانده است. بنا بر این مدارک لازم را فتوکپی کرده و تحت عنوان "اسرار سازمان مخفی یهود" - اشرور ترجمه ژورنالیزم ارسال نمودم که با زهم نامه حقیر تاکنون بی‌جواب مانده است.

اکنون ضمن این نامه باز خواهم نمود نامه حقیر را که ماه پیش ارسال داشته‌ام در قسمت نامه‌ها بچاپ برسانید و یا لاقل دلیل به چاپ نرسیدن آن را اعلام فرمائید (...)

با احترام - جها نشید لشگری

قیام ایران:

هموطن عزیز، علت عدم چاپ نامه مفصل شما بخشی از ترجمه فارسی کتاب "اسرار سازمان یهود"، نوشته ژورنالیزم، طولانی بودن این نوشته بود که در حوصله صفحات محدود قیام ایران نمی‌گنجید. یک بار دیگر از خوانندگان گرامی درخواست می‌کنیم تا نامه‌ها و نوشته‌ها را موجز و مختصر بنویسند و این ترتیب به ما کمک کند تا هر هفته شما ریشتری از نامه‌ها بچاپ برسد.

## کی بود، کی بود؟

تیمسار قره‌باغی در کتاب "به جای آن که واقعیت‌ها را بنویسند بیشتر سعی کرده‌اند مثل یک وکیل مدافع حرفه‌ای حقایق را برباع خود جلوه دهند (حتماً) می‌دانید که ایشان در رشته حقوق تحصیل کرده‌اند) و فراموش کرده‌اند که در نوشتن تاریخ و وقایع باید بی‌طرف بود و از شخص یا گروه خاصی نباید طرفداری کرد و آن وقت است که نوشته ارزش و اعتبار پیدا می‌کند مسائلی بررسی‌ها می‌کند که مرحوم کسروی دارند.

تیمسار قره‌باغی در کتاب مزبور سعی دارند خود را یک چهره ملی بنمایانند که تنها آرمانش نیک بختی ملت ایران بوده است. غافل از اینکه از وقایع سال ۵۷ چند سالی پیشتر نگذشته و همان را بیساز دارند و می‌دانند تیمسار قره‌باغی و فردوست کسان بودند که در بحران‌های دشوار لحظات بدستور ژنرال هویزرتی به ولینعت شان هم‌خیانت کردند. ایشان وقتی از ناراضی‌های موجود در میان رده‌های با ثبات ارتش یاد می‌کنند بیشتر است از کردار اشخاصی که در بوجسود آوردن آن ناراضی‌ها سهم بوده‌اند هم یاد کنند و در این مورد چشمان را نبینند و خودشان را بی‌گناه قلم‌مسدود نکنند.

دقیقاً "بیاد دارم که شاه مرحوم در مصاحبه‌اش با دیوید فرانتز است از اعمال قره‌باغی اظهار تعجب می‌نمود و می‌گفت نمی‌توانم این را باور کنم. حالا ایشان می‌خواهند با حمله به سایر رهبران ملی آبروی رفته خود را با زبانه‌ها بپوشانند و روشن می‌کنند از بین دهها کتابی که در خارج از ایران پس از سال ۵۷ نوشته شده کتاب ایشان بیشتر مطابق میل حضرات جمهوری اسلامی قرار گرفته است.

با تقدیم احترام  
بمبن عطا شمی

## تلفن خبری

نهضت مقاومت ملی ایران - کانادا  
شهر تورنتو ۳۶۱۳۴۵۸ / ۴۱۶



فواد روحانی



# مصدق ونهضت ملی ایران در کساکش چپ و راست

## آب رفته به جوی باز نمیگردد

روز ۲۹ دی هر چند روز معمول تشکیل مجلس نبود و لسی چون دکتر مصدق تقاضا کرده بود که جلسات صبح و عصر تا تعیین تکلیف مسئله اختیار را متوقف کند و مجلس تشکیل شد. همه آن روزها بیرون مجلس با شعارهای "یا مرگ یا مصدق" و "مرگ بر منافقین" صورت گرفت. در جلسه مجلس سخنرانی‌ها بی‌غلیظت و اختیارات را برادوا اعتراضات سابق تکرار شد و دکتر بقای ضمن حمله به دولت اظهار نمود که هم‌نظرات بیرون مجلس ساختگی و هم ذکر نزدیک بودن حل مسئله نفت خلاف حقیقت و برای وادار کردن مجلس به تصویب اختیارات است. ولی نمایندگان جبهه ملی پس از تأکید کردند که تصویب اختیارات به خاطر حل موضوع نفت ضروری است و دکترها بیگان درجوا با براد مذکور در نامه‌ها کاشانی دربارهم مباحثات اختیارات با اصل تفکیک قوا گفت باید متذکر بود که بعضی اصول در مقابل اصل بالاتر خود بخود منتفی می‌شوند و در این مورد حفظ ساختن و استقلال مملکت از تفکیک قوا مهمتر است. بالاخره در همان جلسه لایحه تصدیق اختیارات دکتر مصدق به مدت یک سال با ۵۱ رای از ۶۶ رای تصویب شد.

روز ۲ بهمن ۱۳۳۱ دکتر مصدق نطقی به وسیله رادیو به منظور تحییب مخالفان دولت و رفع نگرانی آن‌ها از تصویب اختیارات قانون گذاری ایراد کرد ملاحظه نیزیب او و کاشانی صورت گرفت و به دنبالش آن اعلامیه‌ای منتشر شد که در آنجا بین رئیس دولت و رئیس مجلس توافق نظر وجود دارد ولی محافل سیاسی این توافق را با تردید تلقی کردند. در واقع نیزیبان یافتن موضوع اختیارات نه به اختلاف بین دکتر مصدق و کاشانی خاتمه داد و نه به تفرقه‌ای که در داخل فراکسیون نهضت ملی ایجاد شده بود. به طوری که بعد گفته خواهد شد این تفرقه و بخصوص جدا شدن کاشانی و بقای و مکی و حائریزاده و هواخواهان آن‌ها از دکتر مصدق تا شیر مستقیم در سقوط حکومت جبهه ملی داشت.

### در سازمان بین المللی کار

در چهارمین اجلاس این کمیسیون (از ۲۲ مهر تا ۳ آبان ۱۳۳۱) که در حومه شهر لاهه تشکیل شد مسئله اختلاف بین ایران و انگلستان به عنوان یکی از روی دادهای مهم صنعت نفت مطرح گردید. سازمان بین المللی کار که یکی از تشکیلات اختتامی سازمان ملل است در مورد بعضی صنایع عمده (از جمله نفت) فقط از لحاظ روابط کار و رفاه کارکنان صلاحیت بحث و مطالعه دارد. ولی در دستور اجلاس مورد بحث مسئله نفت ایران به صورت کلی ذکر شده و یک بخش به شرح آن اختصاص داده شده بود که طبق اطلاع واصله به دولت ایران شرکت سابق آن راه تهیه کرده بود.

از سازمان بین المللی کار سابقه داشت. به این معنی که در دومین اجلاس کمیسیون نفت سازمان در سال ۱۳۲۷ هیئت نمایندگی ایران شرحی در باره عدم توجه شرکت نفت انگلیس به حقوق و منافع کارگران اظهار رودخواست کرده که سازمان میبونی بسازد. رسیدگی به این موضوع به ایران اعزام نماید. دفتر بین المللی کار میبونی مرکب از سه نفر از اعضای خود (یک انگلیسی، یک ایتالیایی و یک ایرانی) در دی ماه ۱۳۲۸ به ایران فرستاد. این کمیسیون پس از سه هفته توقف در خوزستان به ژنو مراجعت کرد و گزارش میبونی تهیه نمود که در موضوع شرایط کار روزندگی کارگران ایرانی شرکت اظهار نظر می کرد. یعنی طرز

استخدام، میزان دستمزد، ساعات کار، تعطیل یا استفاده حقوق، انضباط، خاتمه دادن به کار، بیمه‌های اجتماعی، امنیت، مسکن، تاه مین خوابار، بهداشت، آموزش، تشکیلات اتحادیه‌های و رسیدگی به شکایات و راض می داد. این گزارش بصورت یکسری از اسناد رسمی سازمان بین المللی کار چاپ و منتشر شد (۲) گزارش هر چند اشاره به کمبودها می نمود ولی آنها را نتیجه اوضاع بعد از جنگ قلمداد می کرد و در هیچ مورد قصوری به شرکت نسبت نمی داد. بلکه گویی یک لایحه دفاعی از موقعیت شرکت بود. این گزارش در سومین اجلاس کمیسیون (۱۹۵۰) مطرح شد ولی از طرف هیئت نمایندگی ایران ایرادی به محتویات آن طرح نشد و مثل این بود که هیئت مزبور از شکایات خود صرف نظر کرده است. بعد از زلزله شدن نفت وقتی دفتر سازمان بین المللی کار موضوع اختلاف نفت را در دستور چهرمین اجلاس (۱۹۵۲) گذاشت و احتمال می رفت که شرکت از محتویات گزارش مورد بحث اتخاذ می کند دولت ایران فرصت را برای خنثی کردن اثر گزارش با بیان ایراداتی که به آن وارد بود مناسبت دید و هیئتی را برای شرکت در کمیسیون و انجام این منظور اعزام نمود. (۳)

از طرف شرکت سابق نیز نمایندگان در کمیسیون شرکت داشتند اما آن‌ها ابتدا به سخن ننمودند بلکه بحث از طرف مهندس حسینی شروع شد که طی یک سخنرانی مشروح و مستدل موجبات عدم رضایت ایران را از شرکت سابق مضموم "در مورد سیاست و روش شرکت در امور مربوط به کارگران بیان کرد و نقایب مندرجات گزارش هیئت سه نفری را شرح داد. نمایندگان گروه کارفرما از هیئت‌های اعزامی گانادا و انگلستان سعی کردند اظهارات مهندس حسینی را خلاف واقع و غیر منصفانه جلوه دهند اما نمایندگان ایران به اظهارات آن‌ها بسیار ذکر دلیل جواب دادند و یادآور شدند که حتی گزارش مورد گفتگوی همه کوشش در حمایت از شرکت لاقبل بیش عبارت به نفع ایران قید کرده و گفته است: "اشکالات موجود در مناطق نفتی مولود عملیات شرکت می باشد. دولت تا کنون هزینه‌های سنگینی در این ناحیه متحمل شده است و نمی توان انتظار داشت که پول و کوشش‌های بیشتری صرف ناحیه‌ای نماید که آن را یک کارخانه

داد و ضمن تشکر از اظهارات رتبریک او چنین گفت: "از دریافت نظریات اجالی آن جناب در باره وضع کشور تا خوشوقت شدم و نظریات مزبور را با دقت و علاقه مخصوص مطالعه خواهم نمود. امیدوارم این اظهارات طمینان را از طرف من بپذیرید که من به هیچ وجه از روش بی طرفی امریکا در این مسئله عدول نکرده‌ام و هیچ کسی سعی نکرده است که در این مطلب مرا تحسب تا شیر قرار دهد... من خوشحال خواهم شد که شما مستقیماً چه به وسیله مجرای دیپلماتیک عادی در هر موقع پیامی حاکی از نظریات شما نسبت به موضوعی که مورد علاقه مشترک ما با سندر دربارت کنیم."

بدنبال تاییدات دیماه در واسط بهمن یک خبر قطعی منتشر شد به این مضمون که وزیر امور خارجه جدید امریکا فاستردالسی

لندن رفته و با جرجیل وایدن در باره مسئله نفت ایران مذاکراتی نموده است. که نتیجه آن بسزودی بصورت ابلاغ پیام مشترکی از جانب دولتین انگلیس و امریکا بدولت ایران معلوم خواهد شد. این پیش بینی بی مورد نبود چون در تاریخ اول اسفند ۱۳۳۱ سفیر امریکا در تهران طرحی به عنوان طرح مشترک دو دولت نامبرده به دکتر مصدق تسلیم نمود. مفاد طرح مزبوره شرح زیر بود:

- ۱ - موضوع غرامت شرکت نفت انگلیس و ایران به دیوان دادگستری بین المللی رجوع شود که بر طبق اصول یکی از قوانین ملی شدن منابع در انگلستان به انتخاب شرکت مزبور میزان آن را تعیین کند.
- ۲ - بمجرد حصول توافق در باره تصفیه غرامت به دولت ایران بپردازد که در آینده معادل آن به نفت از طرف دولت ایران مسترد شود.
- ۳ - دولت ایران شرکت سابق نیز در آن دخیل با تدویر بین المللی که شرکت سابق نیز در آن دخیل با تدویر مذاکره شده ترتیبی قائل شود که شرکت مزبور ضامن عمده ای نفت برای مدت طولانی خریداری کند.
- ۴ - دولت ایران حق کامل اداره صنعت نفت خود را داشته باشد و فقط قبلاً متعهد شود که غرامت شرکت را به هرمیزانی که دیوان دادگستری بین المللی تعیین کند بپردازد.
- ۵ - پرداخت غرامت ممکن است به یکی از دو صورت انجام گیرد یا با پرداخت صدی بیست و پنج از عایدات ناویژه فروش نفت در آینده یا به وسیله تحویل نفت خام و تصفیه شده بر طبق تراضی طرفین - طریق دیگری که ممکن است در نظر گرفته شود اینست که اگر در هر سال ۲۵ درصد عواید فروش از پنج درصد میزان غرامت شرکت کمتری شد دولت ایران معادل این کمبود نفت به شرکت تحویل دهد.
- ۶ - علاوه بر نفاد دیگری که به شرکت تحویل داده خواهد شد دولت ایران در فروش نفت خود در باره‌های جهان آزاد باشد.

- ۱ - عضو ایرانی محمد علی جمال زاده
- ۲ - در ۱۵۵ صفحه عنوان

Les conditions de travail dans l'industrie du Pétrole en Iran Genève 1950

۳ - اعضای این هیئت عبارت بودند از مهندس حسینی و دکتر احمد علی بهرامی و مهندس خلیلی (نمایندگان دولت) و دکتر کیهان و فوآد روحانی (نمایندگان کارفرما) و طاهری و رحیمی (نمایندگان کارگران)

عظیم شرکت نفت تلقی می کند. نمایندگان انگلیسی ضمن اظهاراتشان مسئله اختلاف ایران و انگلستان را طرح نکردند جز اینکه یکی از رؤسای شرکت درباریان یک سخنرانی دکتر مصدق را بدون ذکر اسم مجنون خواند. یعنی گفت، مسکن اظهارات را با یک ضرب المثل فارسی تمام می کنم و آن اینست که: "یک دیوانه سنگی را در جا همی نندازد که چهل عاقل نمی توانند آن را بیرون بیاورند." اما یکی از نمایندگان ایران (نگارنده) ضمن جوابگویی به اظهارات او، وجود ضرب المثل مناسب تری را به او گوشزد کرد. به این مضمون که: "آب رفته به جوی با زرمی گردد." نتیجه تبادل سخنرانی‌ها این بود که اکثریت کمیسیون به نفع ایران تحت تأثیر قرار گرفت بطوری که نمایندگان بعضی دولت‌ها بخصوص سروموزیک به هیئت نمایندگی ایران پیشنهاد کردند که قطعاً مای دایر بر بریتانیا کمیسیون از اقدام ایران و نسا روا شناختن عکس العمل شرکت و دولت انگلیس طرح کند. ولی هیئت نمایندگی اصولاً این مبحث را داخل در صلاحیت کمیسیون نمی دانست. و فایده‌ای برای طرح یک چنین قطعنامه بخصوص با امکان خطر در آن بر اعمال نفوذ دفتر سازمان و هیئت‌های انگلیس و امریکا و هلند قائل نبود. و به همین نتیجه اکتفا کرد که امکان استناد شرکت سابق به مندرجات گزارش هیئت سه نفری منتفی گردید.

### دومین پیشنهاد انگلیس و آمریکا

به طوری که در بخش گذشته گفته شد نمایندگان جبهه ملی ضمن مذاکرات مجلس در اواردیماه اظهار کردند که دکتر مصدق برای حل مسئله نفت مشغول مذاکرات مهمی است و موضوع را هشتاد درصداً تمه یافته می داند. مقامات رسمی انگلیس و امریکا نیز در همان موقع اظهار می کردند که مذاکرات به مرحله نهائی رسیده است اما زمینه این اظهارات را میدواری‌ها معلوم نبود جز اینکه چندین ملاقات طی همان ماه بین دکتر مصدق و سفیر امریکا صورت گرفت و چنین شایع شده بود که راه حلی در نظر گرفته شده ولی اشکال تعیین غرامت همچنان باقی است و مذاکرات در باره آن ادامه دارد. در تاریخ ۳۰ دی ۱۳۳۱ حکومت امریکا تغییر کرد و دولت امریکا آیزنهاور به ریاست جمهوری منصوب شد. دکتر مصدق امیدوار بود که با این تغییر حکومت روش دولت امریکا در مسئله نفت به نفع ایران تغییر کند. بنا بر این به مجرد انتخاب آیزنهاور و قبیل شروع او به کار نامه‌های تهنیت آمیزی به تاریخ ۱۹ دیماه به او نوشت و در طی آن چنین گفت:

"امیدوارم حکومت جدیدی که به ریاست آن حضرت تشکیل می شود در آغاز کار به اهمیت مبارزه با حیات ملت ایران کاملاً پی ببرد و برای رفع موانعی که ملت ایران را از نیل به امیال خود با زداشته و نگذاشته است در پیرو استقامت سیاسی و اقتصادی از زندگی بهتر بهره مند شود برای همراهی کنند...

قریب دو سال است که مردم ایران دچار بیسی عسرت و ناایسانی بوده اند فقط به علت اینکه یک شرکت طماع و سودجویا بشتیبا نی دولت انگلیس جدوجهد بخرج داده است که آن‌ها را از نیل به حقوق طبیعی و اساسی خود با زدارد... متاه سفا نه دولت امریکا در عین آنکه در باره‌های موارد دوستی خود را نسبت به ایران نشان داده ولی از سیاستی نیز پیروی کرده است که به نظر مردم ایران مبنی بر بشتیبا نی از دولت انگلیس و شرکت سابق است. یعنی در جماع بین المللی در مورد مبارزه ایران از دولت انگلیس علیه ایران جانبداری کرده، به دولت انگلیس کمک مالی نموده و حال آنکه از چنین کمک به ایران در بیخ کرده است، و بنظر مسالاق لاقبل تا اندازه‌ای به مجاهدت‌های انگلیس در اختناق ایران به وسیله محاصره مالی و اقتصادی کمک نموده است... صمیمانه امیدوارم که وقتی حکومت جدید امریکا که به ریاست آن جناب تشکیل خواهد شد عسرت امور را بدست گیرد توجه دقیق به مسئله ایران مبذول دارد تا ایران بتواند به آرامی‌ها خود رسیده و هدف صلح جهانی را تقویت کند."

آیزنهاور در تاریخ ۲۰ دیماه به نامه دکتر مصدق جواب

### ایران

## دشواریهای صدور نفت

مناسب کشتیرانی منطقه خلیج فارس روز جمعه (۸ اوت) اعلام کردند که عراق در ماه گذشته با بمباران نیمی از نفتکش‌های رابط میان خارک و سیر، امرنقل و انتقال نفت ایران را سخت مختل ساخته است.

به گفته این منابع عراق روز پنجشنبه (۸ اوت) دو کشتی رابط ایرانی را در نزدیکی پایانه نفتی خارک غرق کرده است. گفته می شود که بدین ترتیب، از آنجا که جمهوری اسلامی برای تاه مین هزینه‌های جنگ با بغداد دبر در آمد نفت متکی است، بشدت تحت فشار قرار خواهد گرفت.

ما گذشته سه نفتکش رابط ایرانی دیگر نیز توسط عراق غرق شدند و این در حالی است که تعداد کشتی‌های رابط ایرانی حدود ۱۱ فروند تخمین زده می شود.

به گفته همین منابع، جمهوری اسلامی باید بتواند تا یک ماه دیگر پنج نفتکش رابط دیگر را زجمله کشتی‌های راکه در گذشته خسارت دیده‌اند، به آب بیندازد.

نفتکش‌های رابط، نفت خام ایران را به پایانه سیری واقع در جنوب خلیج فارس که از دسترس جت‌های عراقی بیرون است، می رسانند. بعضی از این نفتکش‌ها نیز محصولات نفتی بی راکه به پایانه‌های ایران اکنون از تهیه آن‌ها عاجزند وارد می کنند.

یکی از دست اندکاران امور کشتیرانی منطقه می گوید: "بنظر می رسد که جمهوری اسلامی برای آنکه بتواند کارها را روبرو کند با دشواریهای زیادی روبرو باشد."

هرالد تریبیون - ۹ اوت ۱۹۸۶

مهران طبری

# دهن کجی دادستان امام

دادستان کل کشور، منتخب "امام"، جانشین منتخب "امام" را به مبارزه ای دائمی خوانده است. حجت الاسلام محمدخوینی ها برای آیت الله حسینعلی منتظری تریه هم خرد نمی کند. سراسر کارها و شعراهای دادستانی کل کشور یک دهن کجی مدام به آیت الله منتظری است. خوینی ها لفظای غافل نمی ماندا زاینکه تکرار کنند و نشان دهد که نبض انقلاب اسلامی در هیچ جا ضعیف نیست. ترا دادستانی کل کشور نمی زند. او هر چه را لازم بداند می کند تا مسابا را مردم فراموش کنند که انقلاب اسلامی نیز در شمار "انقلاب های مداوم" تاریخ است که اگر توقف کند، خواهد مرد.

دستور توقف را از هیچ مقامی نمی پذیرد، حتی اگر دستوردهنده خودخوینی باشد. دادستان ارتباط خوینی، زندانی جمعی جاران، با خوینی ها، امام جمعه پیشین مسجد جماران، تا آنجا که مسابا می دانیم به روزهای گروگان گیری دیپلمات های آمریکا در تهران باز می گردد. خوینی ها، نزدیک یک سال پس از آن گروگان گیری، در مصاحبه ای با روزنامه کیهان گفت که: ما موافقت امام را بدست آورده بودیم برای آن که سفارت آمریکا را حداقل سه روز اشغال کنیم تا برجیس آمریکا می بودن انقلاب اسلامی را برداریم. و امام فرمودند فقط سه روز... اما سه روز شد ۴۴ روز.

دیگر پیش بینی نشده بود که حزب توده با دست گل به سراغ "دانشجویان خط امام" بیاید، دیگری پیش بینی نشده بود که گروه های چپ نامادیمیزم در تنگنوردان تظا هرات جنو سفارت آمریکا بیفکنند. دیگر پیش بینی نشده بود که ما چسرای لشکرکشی به افغانستان پیش بیایند.

دیگر پیش بینی نشده بود که خمینی اشغال سفارت آمریکا را "انقلاب دوم" بنا صد. شاید پیش بینی شده بود که اشغال سفارت و گروگان گیری را به صورت پیشدرآمد سقوط دولت موقت مهدی بازرگان در آورند.

در آن روزها در تهران می گفتند که خمینی چا نوری است و خوینی هادام او و جانور هروقت که اراده کرد، دمش را تکان می دهد. اما در این چند سال معلوم شده است که رابطه میان جانور و دم، معکوس است، و هروقت دم اراده کرد، جانور را تکان می دهد.

به هر حال یک نقش خوینی ها از سکه انداختن آدمهایی است که می گویند نقش اعتدال و توازن در جمهوری اسلامی بازی کنند. یک روز و با زرگان و دولت موقت را از سکه انداخت و امروز در صدد است که منتظری را سنگ روی یخ کند.

هنگامی که آیت الله منتظری به میرحسین موسوی توصیه کرد که از ایران خارج شود و به اروپا برود، برگردند و در "غم و شادی" جمهوری اسلامی شریک باشند، این خوینی ها بود که گفت در کشور اسلامی جایی برای تهمانده های خدا انقلاب نیست.

هنگامی که منتظری گفت که افراد باید از امنیت شغلی برخوردار باشند و نباید مانع هیچ کس، از جمله پزشکان، شد، باز هم این خوینی ها بود که به زرگان را ظاهرا انقلاب خواندند و تهدید کردند که وسایل سرکوب جمهوری اسلامی را علیه آنان بکار خواهند انداخت.

منتظری می گوید که مطبوعات باید در اظهار نظر و عقیده آزاد باشند تا دنیا نگوید رسانه های همگانی در جمهوری

اسلامی سرشته یک کرباسند. اسباب خوینی ها در برابر او قد علم می کند و نظرمی دهد که روزنامه های اطلاعات، کیهان و جمهوری اسلامی باید تعطیل شوند و به جای آن فقط یک روزنامه منتشرا ریابد. او علت را در آغاز کمبود کاغذ ذکر می کند، ولی گویا این علت را از یاد می برد و علت واقعی را می گوید، و آن اینکه روزنامه های نامبرده در حقیقت تفاقا و بی یکدیگر رند و انسان اگر یکی از آن ها را خوانده باشد، گوئی همه را خوانده است.

منتظری، این بار با اسناد دبه فتوای خمینی، می گوید: "گذشته افراد مملکت نیست، مملکت حال افراد است. ولی این حرف را درست همان کسی پشت گوش می اندازد که با دیدن راجدی ترا زهمه بگیرد: یعنی حجت الاسلام و المسلمین محمدخوینی ها دادستان کل کشور. وی به معنای خود، حجت الاسلام رضانی دستوری دهد که همه کسانی را که در رژیم گذشته سرتی توی سرها داشته اند به دادسرای انقلاب بخوانند تا گذشته خود را در دادگاه ها ای انقلاب تبرئه کنند، بلکه بتوانند حال و روزی در جمهوری اسلامی داشته باشند. به عبارت دیگر منتظری می خواهد چنین القا کند که در جمهوری اسلامی اصل بر بربر است، حال آنکه خوینی ها عملا اثبات می کنند که در جمهوری اسلامی اصل بر بربریت است.

نکته، جالبی است اگر بدانیم که این دهن کجی های دادستان کل کشور به جانشین ولی فقیه، با تأیید خمینی صورت می گیرد یا نه. ولی جدا از این، چه خمینی تأیید بکند یا نکند، چه بتواند جلو خوینی ها را بگیرد و چه نتواند، واقعیت سرخت در جمهوری اسلامی نمرخوینی های ظاهری آقای منتظری نیست، دهن کجی های مدام خوینی ها است. دهن کجی نه فقط به منتظری بلکه به قانون اساسی خود جمهوری اسلامی. در چنین حالتی آیا خوش باوری و خوش خیالی نیست به انتظار روزی نشستن که حداقل امنیت، آزادی، حقوقی مدنی و سیاسی در پناه قانون در جمهوری اسلامی بوجود آید؟

## یک جامعه شناس ایرانی

### ناهنجاریهای روانی

با لارفتن میزان خودکشی و قتل و افزایش سرقت، اعتیاد و قاچاق مواد مخدر از عوارض روانی اجتنابنا پذیر حکومت ولایت فقیه است.

یک جامعه شناس معروف ایرانی که به خاطر از کشور سفر کرده است ضمن توضیح این مطلب در گفتگویی با رادیو ایران می افزاید: ضربات حکومت اسلامی بر جامعه ایران فقط در فضاها اقتصادی یا بهیمن طبیعی سازمان اجتماعی که پیمانده طبیعی چنین نظامی است، خلاصه نمی شود. حکومت ولایت فقیه که به پشت مادی و مملوئی را وعده می داد امروزه تنها کشور را به بین بست اقتصاد و سیاسی کشاننده، در پی آن آثار مخربی نیز در روحیات مردم بجای گذاشته است.

درجهش می که نظام ولایت فقیه ایجاد کرده است، خشک و تریا هم می سوزاند. هیچ کس، نه به اصطلاح خودشان مستضعفان و نه آن ها که در فرهنگ لغات رژیم مستکبر شمرده می شوند، از آثار مخرب این رژیم در امان نمانده است. این جامعه شناس می گوید، تنها یک مرور گذرا بر زندگی عمومی و وضع معیشتی افراد، کمبودها و افزایش آمار جرائم اجتماعی و خودکشی ها، ماهیست سبب و ارتجاعی نظام فعلی را آشکارتر می سازد.

وی افزاید: من به خصوصی روی آمار خودکشی ها و قتل ها می که در سایه این رژیم در گوشه و کنار مملکت اتفاق می افتد، تکیه می کنم. همین دو هفته پیش بود یکی از منازعه داران خیابان پهلوی بعزت و رشکستگی خودمفا زه اش را به آتش کشید. همین چند ماه قبل بود که مردی سه فرزندش را سر برید، وزنی سه کودکش را در نهر فیروزآباد شهر ری غرق کرد. و یک هفته پیش بود که مردی خود را از ساختمان برج شهیا دبه پاشین انداخت. این ها مثنی از خوار و تنهیا معدودی از انبوه قربانیان حکومت ولایت فقیه و جمهوری اسلامی را نشان می دهد. جامعه شناس ایرانی می گوید: گروهی از جامعه شناسان مدارک و اسنادی را جمع آوری کرده اند که رابطه نظام فعلی و گسترش موج پدیده های منفی رادرن زندگی

عمومی ثابت می کند. و ما امیدواریم تکمیل پژوهش ها روزی این اسناد به صورت مدون درآیند تا ابعدا فجاج اجتماعی حاصل ارزویم اسلامی در دسترس پژوهشگران و مورخان قرار گیرد.

رادیو ایران

## خمینی و ادامه جنگ

نه اظهارات گوربا چف خطاب به معلمان وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی که: "یک روز جنگ بدتر از سه سال مذاکره است" و نه درخواست صلح صد امام حسین که شنبه گذشته (۱۲ اوت) اعلام شد، هیچ یک کاری برای صلح از پیش بینی نبردند. تهران بر آن است که "مجازات متجاوز" را به گونه "تنهیا راه جلوگیری از تکرار و گسترش تجاوز" ادامه دهد.

مخالفت علی خامنه ای، با پیشنها صلح رئیس جمهوری عراق که آن را دلیل "ضعف فرماندهان نظامی بغداد" توصیف کرد در واقع آماج جمهوری اسلامی برای دست زدن به حملات تازه علیه عراق را تأیید می کند.

نقل و انتقال های گسترده نیروهای جمهوری اسلامی در بخش های مرکزی جبهه از یک تعرض قریب الوقوع با امواج انسانی خرمی دهد.

خمینی اخیرا با دخالت نهایی خود به اختلاف نظر میان موافقان و مخالفان تاکتیک حمله با "امواج انسانی" پایان داد.

بدین گونه بود که محسن رضایی، فرمانده سپاه پاسداران و مدافع اصلی تاکتیک حمله با امواج انسانی، بر حریف خود سرنهک صبا دشمنی را، فرمانده پیشین نیروی زمینی جمهوری اسلامی بیروزد.

صبا دشمنی با اعتقاد به جلوگیری از بهر دادن جان انسان ها، بر آن بود که در حالی که عراقی خود از زیر تیر سوری تکنیکی برخوردار است، جمهوری اسلامی باید جنگ را تا زمانی که بتواند از تسلیحات نظامی مجهزی چون هواپیما، تانک، موشک های زمین به هوا و موشک های ضدتانک برخوردار گردد، به تعویق اندازد.

لوماسن - ۱۸ اوت ۱۹۸۶

## وای به حال امریکا!

بقیه از صفحه ۷

که روس ها حاضر نبودند سرزمین های را که در جریان جنگ تحت تسلط ارتش سرخ درآمده بود تخلیه کنند، امریکا نمی توانست استقلال کشورها را دیگر محترم نمرند و حتی اعتبارات هنگفتی را برای کمک به اجرای برنامه های باساز و توسعه در نقاط مختلف جهان تخصصی دادند. اما بتدریج منفعت طلبی تا جرما با نه بر هدف های انسانی سیاست جهانی آن ها غلبه کرد و خواه نا خواه در سایه کسب امتیازات وارد گود شدند و طبعاً "بشار اتهامی" به مددتی با عوامل فساد و دیکتاتورها در جهان سوم بدوشان افتاد. این بود که امریکا می تواند وجهی خود را از دست دادند و زمینهای تبلیغاتی ضد امریکا می بدست خود امریکا می هموار شد.

بهر صورت جوقا امریکا می در کشورهای جهان سوم به شوروی می باشد. امریکا می بهره گیری میداد ولی تنهیا آن ها نبودند که از تشدید احساسات ضد امریکا می در نقاط مختلف جهان خرسند می شدند. بعضی کشورهای صنعتی غرب نیز مایل بودند که زیر پای امریکا در پایگاه ها می که بعد از جنگ دوم جهانی نبودند آورده بود خالی شود، زیرا امریکانه تنهیا آن ها را از مناطق نفوذ سنتی شان رانده بود بلکه با قدرت عظیم اقتصادی خود نفشان را بشماره می انداخت در قضاای مربوط به افزایش قیمت نفت نیز اروپای غربی و می موضع امریکا را تشخیص می دادند و می دانستند امریکا از افزایش قیمت نفت زبانی نمی برد زیرا واردکننده نبود حال آنکه با افزایش قیمت نفت از یک طرف قدرت رقابت را از قبای عمده بازرگانی خارجی خود یعنی ژاپن و اروپای غربی به علت افزایش هزینه تولید آن ها سلب می کرد و از طرف دیگر بر اثر لارفتن درامد کشورهای نفت خیز، با زار فروش خود را در این کشورها توسعه می داد.

در جریان انقلاب اسلامی و پس از استیلا رژیم موجود، در ارتباط با این جو و به وسیله گروه بندی های داخلی،

## فروش انگشتریهای ازدواج

بقیه از صفحه ۲

فروش روزانه میوه در مغازه های میوه فروشی نسبت به سال ۶۴ که سال کساد میوه هم بوده به یک سوم تقلیل یافته است. این کساد میوه و کمپولی خانوادها میزان آگهی های فروش کالاها می دست دوم را به شدت بالا برده و غیرا از اعلان ها در روزنامه ها بر سر هر گوی و برزن ده ها اعلان دستی برای فروش اثاثه منزل و حراج های خانگی به بهانه سفر و مهاجرت به خارج به چشم می خورد. در هر مغازه طلا فروشی از هر سی نفر مراجمه کننده ۲۵ نفر فروشنده آخرین اشیاء زینتی و انگشتری عروسی و نامزدی هستند و بقول یک زرگر، این دل کنندن از یادگارهای قشنگ زندگی تلخ ترین صحنه ها را در این گونه مغازه ها خلق می کنند. دولت که برای سیر کردن امت ریزودرشت حزب الله که سوار بر موتور و با لباس شخصی شهر را کنترل می کند در مانده است، برای کسب درآمدهای تازه ز تمام شیوه های کثیف و ضد انسانی بهره برداری می کند.



سوند

موج تازه ایرانیان فراری

هجوم ایرانیان فراری هر روز بیشتر و بیشتر میشود. زیرا این عتسبوان روزنامه سوئدی داگنس نی هیتسر طی گزارشی درباره پناهندگان ایرانی به سوئد نوشت:

طوفان فراریان ایرانی دوباره شدت گرفته است و هر هفته بیش از صد پناهنده ایرانی از راه های مختلف خود را به فرودگاه استکهلم می رسانند و تقاضای پناهندهگی می کنند. آن ها حتی حاضرند در اردوگاه ها مخصوص پناهنده گسسان به سربرند، اما به تهران بازگردانده نشوند.

بیشتر ایرانیان فراری از جمهوری اسلامی، به ناچار میالغ هنگفتی می بردند تا با یک گذرنامه میالغ ویزای تقلبی خود را به مرز سوئد برسانند. برخی از آن ها دلیل درخواست پناهندهگی خود را فرار از جنگ ذکر می کنند، اما مسلم است که هر کس که بتواند اندرا هی پیدا کند، از جمهوری اسلامی فرار می کند.

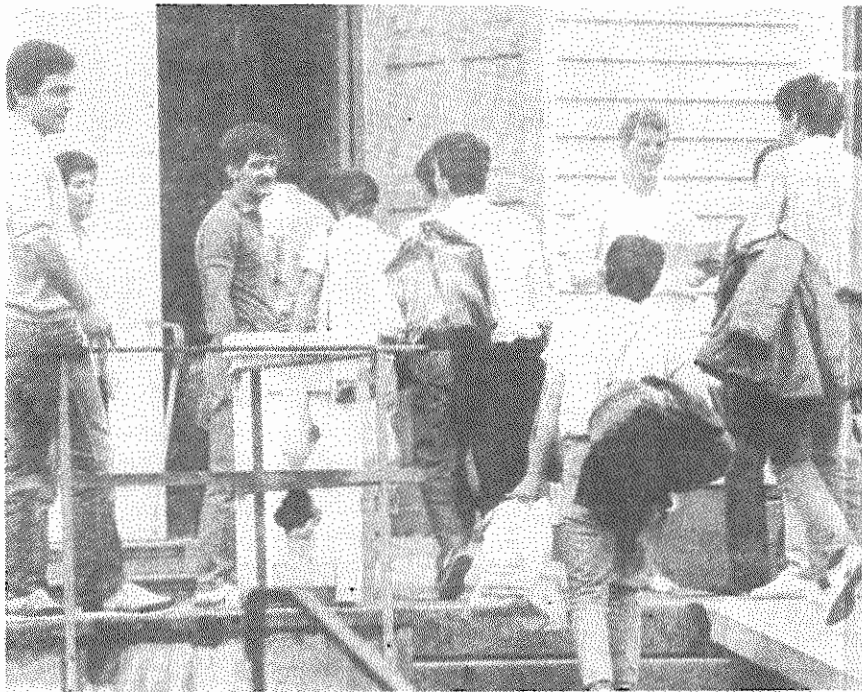
گزارشگر این روزنامه می افزاید: نزدیک به یک ماه است که گروه های گشتی با کامیون ها در شهرها و روستا های ایران راه افتاده اند و هر کس را که بتواند تا سرپا ایستادن دارد، سوار کامیون ها می کنند و بدون آموزش نظامی، یک راست به جبهه ها می فرستند.

یک سرباز فراری می گوید: روزی کامیون سوارها و گشتی ها مرا غافلگیر کردند و بدون آن که اجازه بدهند حتی به همسرم اطلاع بدهم، مرا به جبهه فرستادند، اما توانستم در میان راه فرار کنم. به این ترتیب دیگر جای ماندن نبود، و سایر زندگی و اتومبیل را به از آن ترین قیمت فروختم، فرزند پنج ساله و همسرم را نزد خانوادهاش گذاشتم و فرار کردم. تمام پولی را که داشتم برای خرید یک گذرنامه و ورواوت تقلبی برداختم تا شاید بتوانم خود را به کشوری امن برسانم.

گزارشگر سوئدی می افزاید: بعلافت آنکه آلمان شرقی به موجب قرارداد مانع از عبور ایرانیان فراری به سوی مرزهای سوئد می شود، فراریان از تهران به دو بی و از آنجا به کشورهای مختلف از جمله سوئیس یا آلمان غربی می

بروای کمی کند و سپس خود را به سوئد می رسانند. آن ها برای آنکه ویزای ورود به این کشورها را به دست آورند میالغ هنگفتی به دلالت و قاچاقچیان یا راهنمایان خود می پردازند. یک تن از ایرانیان گریخته از جمهوری اسلامی می گوید: اگر کشورهای آزاد به سفارت خانه های خود در تهران اجازه صدور ویزا بدهند، ایرانیان ناچار

به یک اردوی موقت انتقال می دهیم تا بعداً با کمک ما موران اداره مهاجرت وضعیت فراریان را روشن کنیم. گزارشگر روزنامه داگنس نی هیتسر، یادآوری می کند که، اخیراً در یک مصاحبه تلویزیونی وزیر مهاجرت سوئد اعلام کرد که به مقامات آلمان غربی وارد گفتگو شده تا شاید بتوانند به شکلی از عبور ایرانیان به سوی سوئد مساعدت



آوارگان ایرانی در سوئد

نمی شوند همه هستی خود را به قاچاقچیان سپردند. از سوی دیگر مقام های کشورهای آزاد جهان باید به این نکته توجه کنند که با فشاری که جمهوری اسلامی به ویژه در زمینه گسیل دانشمندان و متخصصان اعمال می کند، ایران برای خیلی ها که خارج نیستند فساد و هوس های حکام اسلامی بشوند، جای ماندن نیست. رئیس پلیس فرودگاه استکهلم می گوید: هجوم ایرانیان فراری نظم و انضباط پلیس فرودگاه را بهم ریخته است. آنجا که ما قادر به تشخیص وضعیت آن ها نیستیم آن ها را به محض آنکه می رسند،

بعمل آورد. خبرنگار این روزنامه می نویسد: در اتوبوسی که ایرانیان را به اردوگاه منتقل می کرد با چند تن مهاجرتی انجام دادیم. بیشتر آن ها میگویند: تا زمانی که رژیم اسلامی همه چیز را در جبهه های جنگ خلاصه می کند و جوانان ایرانی آینده خود را تنها به وسیله می بینند ایرانیان دیگر قادر نیستند در وطنشان باقی بمانند، زیرا این روزها "جنگ حائل بزرگی است میان امروز و فردا".

داگنس نی هیتسر، چاپ استکهلم - ۲۸ ژوئیه

شده بود: "خان ملعون"، در تهران بخش شد.

موضوع جالب دیگری که در آستانه سالگرد انقلاب مشروطیت ۱۰۰ ساله، به ویژه در تهران جلب توجه کرد، اهمیت کتاب های تاریخ مشروطیت است. کسری و آثار محققانه فریدون آدمیت و دیگر آثار مربوط به انقلاب مشروطیت بود. دوستان و افراد خانوادها، به عنوان تبریک جشن مشروطیت، کتابی درباره این انقلاب ملی به یکدیگر هدایا کرده اند. گزارش های دیگر از هسته های مقاومت تهران و تبریز و شیراز زوروا شیه ها کی از آنست که صبح روز ۱۴ مرداد، گروه های چند نفری با ساداران کمیته ها و اعضای گشت های گوناگون رژیم، در کوچه ویس کوچه ها و خیابان های این شهرها به راه افتادند و به کندن و پیاک کردن شعارها و عکس ها پرداختند.

در تهران و تبریز بنا به گزارش های رسیده، عوامل رژیم تا ساعتی از ظهر گذشته به این کار اشتغال داشتند.

بمباران اصفهان

هواپیما های عراقی پالایشگاه اصفهان و ناء سیاست نفتی پایانه خارک را بمباران کردند. هواپیما های عراقی ساعت ۱۰ و ۵ دقیقه صبح دیروز (۸ اوت) پالایشگاه اصفهان و یک نیروگاه برق و دودنیروگاه حرارتی را واقع در جنوب غربی اصفهان بمباران کردند و تلفات و خسارات زیادی وارد آوردند. عراق در اطلاعیه، نظامی خود اعلام کرد که کلیه هواپیما هایش سالم به پایگاه های خود بازمیگردند. بر اساس همین اعلامیه، هواپیما های عراقی دیروز دوباره ناء سیاست نفتی خارک را نیز بمباران کردند.

رادیبوی جمهوری اسلامی اعلام دادند هواپیما های عراقی محلات صنعتی و کارگر نشین نزدیک اصفهان را بمباران کرده اند که در نتیجه آن عده ای زخمی شدند و خسارات مختصری به تاسسات صنعتی و خانه های این منطقه وارد شد. جمهوری اسلامی همچنین اعلام کرد که یک هواپیما عراقی هنگام بازگشت در اشرآتشباری دفاع ضد هوایی جمهوری اسلامی در این منطقه سرنوشت کرد. از سوی دیگر به گزارش خبرنگاری فرانسه، بیانیه نظامی دیروز عراقی حاکی است که در بمباران منطقه غیرنظامی سیروان واقع در استان سلیمانیه، عراقی که روز چهارشنبه (۶ اوت) به وسیله جمهوری اسلامی صورت گرفت ۲۴ غیر نظامی از جمله ۲۱ کودک کشته و ۴۰ نفر زخمی شدند، تعداد زیادی واحد مسکونی ویران گشت. بیانیه نظامی عراقی، حمله جمهوری اسلامی را جنایت وحشیانه لقب داد و اعلام کرد عراقی به موقع به این اقدام جنایتکارانه و عمل غیرمستولانه پاسخ خواهد داد.

بر اساس این گزارش بمباران اصفهان بدنبال انتشار این بیانیه صورت گرفت.

از سوی دیگر برای نخستین بار بر اساس آن که جمهوری اسلامی عراق، در تیرماه سال گذشته بطور ضمنی موافقت کردند از بمباران شهرها دست بردارند، جمهوری اسلامی با تویچه خودبرد خود از ۲۸ ژوئیه تا ۴ اوت به مدت ۸ روز متوالی، بمبزه دومین شهر بزرگ عراق را به شدت بمباران کرد.

روزشنبه گذشته (۱۲ اوت) در بمباران یک دبستان در بمبزه یک کودک به قتل رسید و ده نفر مجروح شدند.

در این حال جمهوری اسلامی، در تاریخ ۶ اوت گزارش عراقی را مبنی بر بمباران ناحیه مسکونی "سیروان" واقع در منطقه "حلبچه" بشدت تکذیب کرد. سخنگوی ستاد تبلیغات جنگ رژیم تهران گفته های عراقی را کذب نامید و آن را بیانه ای برای دامنه بمباران های عراقی دانست. سخنگوی ستاد تبلیغات جنگ افزود: بمباران اصفهان بدون پاسخ نخواهد ماند. به گزارش خبرنگاری جمهوری اسلامی، هواپیما های عراقی بعد از ظهر دیروز نیز بمباران اصفهان را به پرواز درآمدند ولی بر اثر آتش دفاع ضد هوایی از محل دور شدند.

خبرگزاری جمهوری اسلامی می افزاید: حضور هواپیما های عراقی در آستانه اصفهان باعث شد که ساعت ۱۶ و ۴ دقیقه دیروز (۶ اوت) آژیر خطر هواپیما در تهران بصدا درآمد.

خبرگزاری فرانسه - ۷ اوت ۱۹۸۶

جمع آوری امضا برای صلح

نمایشگاه عکس

نهضت مقاومت ملی ایران - شاخه ایتالیایی - با برپایی یک نمایشگاه عکس از جنایات و آدمکشی و شکنجه های ملیون در زندان های رژیم خمینی، بار دیگر افکار عمومی ایتالیا را نسبت به نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی جلب کرد.

این نمایشگاه که از ۱۵ ژوئیه تا چهارم اوت در مرکز شهر تورینو برپا بود، توجه هزاران نفر از شهروندان تورینو و ایرانیان مقیم ایتالیا را به خود جلب کرد.

شاخه ایتالیایی نهضت مقاومت ملی ایران در گزارشی که درباره این نمایشگاه فرستاده است یادآوری می کند که بیش از هزار تن از دیدار کنندگان نمایشگاه عکس، علیه جنگ جمهوری اسلامی و عراق امضاء داده اند و بسیاری از اینان ضمن جملات و اظهار نظرهای دردیسل امضاء این جنگ بی فرجام را، سفبار، غم انگیز و ضد بشری توصیف کرده اند. برپایی این نمایشگاه عکس در مطبوعات ایتالیا، بازتاب درخور توجهی داشته است که از آن جمله "لا ستامیا" و "پاز دلا سرا"، دو روزنامه پرتیراژ، گزارش های بی دربارانه نمایشگاه به چاپ رسانده اند.

هسته های مقاومت در ایران

تظاهرات بزرگداشت انقلاب مشروطیت

بقیه از صفحه ۱

در تهران، به ویژه در اطراف چهلوی پنج متری سیدخندان، پل سیدخندان، خیابان شمیران، خیابان پهلوی، نارمک، خیابان شاه و در خیابان های نواحی جنوبی تهران (ناصرخسرو، شاهپور، امیریه)، گروه های چند نفری هسته مقاومت وابسته به نهضت مقاومت ملی ایران، نوارهای پارچه ای حاوی شعارهای: "چهاردهم مرداد برملت ایران مبارک" - "جشن مشروطیت را به ملت ایران تبریک می گوئیم" و ... به دیوارها، بدنه پل ها، برفراز تا بلوهای راهنمایی و رانندگی و برجبه چند ساختمان بلند نصب کردند. همزمان با پخش و نصب شعارها، جوانان هسته مقاومت ساعت ۹ تا یک با مداد شب هنگام سیزدهم مرداد، صدای هماغانگ و به فریاد رسا در سکوت شب در خیابان ها و کوچه ها شعارهای ضد رژیم خمینی سر می دادند.

شعارهای دیگری که در شهرهای گوناگون ایران در این شب سا لگرد انقلاب مشروطیت به گوش شهروندان رسید عبارتند از:

زنده باش پور بختیار ادا مدهنده نهضت مصدق - زنده و پیروز باد ملت ایران - مرگ بر رژیم خون آشام ولایت فقیه و ...

گزارش هایی که از شهر تبریز رسیده است حکایت می کند که صد و چهل هسته مقاومت در شب چهاردهم مرداد، بسیاری از نقاط شهر را از عکس ها و علامه ها و شعارها پوشاندند. در حکماور تبریز، به مدت نیم ساعت، شعارهای ضد رژیم

و شعارهای دیگر می گوید: شما ریساری از عکس های شیخ فضل الله نوری که پیروزی آن به خط قرمز نوشته

# صلح در مسلخ جماران

آیت الله خمینی در پیامی خطاب به حدود ۱۵۰ هزار زائر خدایه خدا، ( ۷ اوت ) برابر با ۱۶ مرداد ماه ) بار دیگر هرگونه احتمال برقراری صلح در جنگ خلیج فارس را رد و رد کرده است.

آیت الله بدون آنکه مستقیماً اشاره ای کند، اما در حقیقت در این پیام به تازگی سرگشاده صدام حسین رئیس جمهوری عراق پاسخ می گفت که چند روز پیش طوسی آن مقامات جمهوری اسلامی را به مذاکرات صلح دعوت کرده بود.

آیت الله در این پیام صلح را از "جمله گناهان کبیره" توصیف کرد، زیرا به عقیده وی: "یک صلح تحمیلی بدتر از جنگ است."

کرده اند، اما برخی از آنان ( لوماتن و لیبراسیون) با وجود این، عراق و ایران را "از نفس افتاده و خسته" می دانند.

لیبراسیون با رجوع به گفته های خامنه ای و رفسنجانی در ماه پیش که به تکرار گفته اند: "تا پایمان سال جاری، جنگ با این خواهی داشت"، چنین نتیجه می گیرد که: "اشارات صریح دوشمول درجه اول جمهوری اسلامی در اینک که جنگ امسال تمام خواهد شد به معنای آنست که ایران دیگر در خود توانایی ادامه جنگ فرسایشی را نمی بیند."

ماهنامه فرانسوی "بازار" مینویسد: "امام با رد دیگر پرسنده صلح را در مسلخ جماران سر برید و این در حالی است که "ملایان حاکم" ایران به بسیج بی سابقه ای از نیروی انسانی دست زده اند. ما هواره های آمریکایی تجمع نیروهای ایرانی را در جبهه ها پر شمارتر از هر زمان دیگر گزارش کرده اند. امام خمینی با پیام ۷ اوت در حقیقت فرمان یک حمله خونین دیگر را صادر کرده است، نتیجه این حمله تازه به پیشبانی امواج انسانی نیاید حداکثر از شغال چندده کیلومتر مربع بیابان سوخته و یا مرداب بیشتر رود، اما هزاران قربانی از نیروهای ایرانی بر جای خواهد ماند. پس از این هجوم محتمل، با زایران و عراقی ها همانجایی قرار خواهند داشت که امروز ایستاده اند. اما فرسوده تر و خسته تر و آسیب پذیرتر از همیشه: ارتش عراقی بیچاره های گوناگون روحیه مستحکمی ندارد و اعتراض های فوج جنگ در ایران نیز هر روز بالاتر می گیرد. امام خمینی، بنظر می رسد این بار تهجیب همکاران می تواند، و در پایان حمله محتمل دست خالی تر از همیشه خواهد بود..."

در بخش دیگر از این پیام، آیت الله خمینی، موقع سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی را "نیرومند و مستحکم" بر خواند و گفت:

"دعوت صلحی که از سوی دشمن پیشنهاد شده است، برای آنست تا فرصت پیدا کند که نیروهایش را تقویت کند و با دیگر غافلگیرانه به ایران هجوم آورد. در این صورت ایران ناچار خواهد بود تا نیروهایش را در یک هزار کیلومتر مربع به حالت آماده باش نگاه دارد. عقد صلح با رژیم بغداد یعنی برسمیت شناختن حزب بعث که با جنایت و ارتعاب بر مردم مسلمان عراق حکومت می کند. پیام اخیر آیت الله خمینی، تفسیرها و برداشت های رادرسانه های گروهی بین الحلقه در پی داشت. مطبوعات انگلیسی زیر عنوان های "آیت الله می جنگد"، "خمینی صلح را دوست ندارد" و "جنگ خلیج فارس با لایمی گیرد". این پیام آیت الله ۸۶ ساله را نقطه پایانی بر خوشبینی های اخیر گروهی از آگاهان تلقی کرده اند، که گمان می کردند سقوط بیای نفت خمینی را بر سر عقل خواهد آورد.

روزنامه های فرانسوی، با رد و طرد پیشنهاد صلح صدام حسین از سوی آیت الله خمینی، آینه نزدیک را در جبهه های جنگ پرکشتر، و ترس آور توصیف

## تهران

### امریکایی زندانی

وزارت امور خارجه آمریکا دیروز تا شنبه کرد که یک آمریکایی ۴۹ ساله به نام "جان باتیس" کارمند یک شرکت آمریکایی در ایران، از سوی جمهوری اسلامی به اتهام جاسوسی برای ایالات متحده دستگیر شده است.

علی اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی، چندی پیش اعلام کرد که یک آمریکایی که در ایران به ایالتی بود به جرم جاسوسی دستگیر شده است. وی اما چند و چون این ماجرا را فاش نکرد.

"جان باتیس" کارمند یک شرکت آمریکایی بنام "مهندسان کامپوس" بود و در مرکز ارتباطات ماهواره ای اسد آباد همدان کار می کرد. به گفته خواهرش، مقامات جمهوری اسلامی به شرکت مذکور فشار آورده بودند که کارمندان آمریکا را خود را با گذرنامه سا پرکشورها به ایران بفرستند تا فاش نشود که اتباع آمریکا در ایران بکار اشتغال دارند.

چارلز زردمن، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا اعلام کرد که دولت آمریکا از طریق سفارت سوئیس در تهران که حافظ منافع آمریکا در ایران است از این ماجرا آگاه شد. وی توضیح بیشتری در این زمینه نداد و گفت: "دیپلمات های سوئیس اجازه ندارند با "جان باتیس" ملاقات کنند. اما (الن باتیس) خواهر آمریکایی با زداشت شده، درواشنگتن اعلام کرد که "جان باتیس" به اتهام آن که از سوی آمریکا اطلاعات محرمانه در اختیار عراق قرار داده است، روز ۲۷ تیرماه گذشته دستگیر شد.

"جان باتیس" در ایستگاه ارتباطات ماهواره ای "اسدآباد" واقع در ۳۰۰ کیلومتری جنوب غربی تهران کار می کرد. به گفته خواهرش، از آنجا که وی اندکی قبل از میماران مرکز "اسدآباد" از سوی هواپیمای عراقی، از محل کار خود خارج شده بود، مورد سوءظن مقامات جمهوری اسلامی قرار گرفت و با زداشت شد.

خبرگزاری فرانسه - ۹ اوت ۱۹۸۶

## آتش سوزی بزرگ

در یک آتش سوزی مهیب که بدنبال چند انفجار شدید در سه راه تخت جمشید - جاده قدیم شمیران تهران رخ داد، دویانک در آتش سوخت.

برای شایان آتش سوزی که از ساعت ۴ تا ۷ بعد از ظهر روز یکشنبه ۱۹ مردادماه (۱۵ اوت) بطول انجامید، ستون های سیاه دود آسمان این منطقه را پوشانده بود.

در تهران، مسرد م می گویند، این آتش سوزی عمدی است و طبق یک نقشه حساب شده توسط عوامل رژیم صورت گرفته است.

## راهپیمایی بزرگداشت

بمناسبت هشتاد و دومین سالروز اسلام مشروطیت، ایرانیان مقیم لس آنجلس با مداد سه شنبه ۱۴ مرداد - ۵ اوت - در برابر ساختمان بانک ملی ایران، گرد آمدند و ضمن گرامیداشت هشتاد و دومین سالروز مشروطیت، از حرکت های اعتراض آمیز اخیر پریشان ایرانی در برابر رژیم اسلامی پشتیبانی بعمل آوردند.

تظار کنندگان که پرچم شیروخورشید نشان ایران و پلاکاردهای با شعارهایی به طرفداران ازحاکمیت ملی و درخواست آزادی سریع پزشکان زندانی در جمهوری اسلامی با خود حمل می کردند، سپس در خیابان های شهر راهپیمایی کردند و صدای اعتراض خود را به گوش هزاران تن از مردم کوچه و بازار که شاهد این تظاهرات بودند، رساندند. بر پلاکاردهای تظار کنندگان این شعارها به چشم خورد:

"ما برای استقرار دیمکراسی در ایران مبارزه می کنیم" - "حقوق بشر استثناء پذیر نیست" - "ایران هرگز نخواهد مرد" - "از شکنجه پزشکان ایران که در راه احقاق حقوق صنفی خود مبارزه می کنند، جلوگیری کنید" - "مرگ بر خمینی و جمهوری اسلامی، زنده باد مردم ایران، برقرار بباد رژیم مشروطه".

کانال هفت تلویزیون آمریکا که از این تظاهرات فیلم برداری کرده بود، صاحب پرداخت. گزارش تلویزیون کانال هفت، در برنامۀ خبری شب همان روز پخش گردید.



پزشک و بیمار در جمهوری اسلامی

دا نشجویان ایرانی رشته پزشکی در دانشگاه های کالیفرنیا نیز در این زمینه همگام با پزشکان ایرانی مقیم آمریکا به دفاع از حقوق صنفی پزشکان معترض ایرانی برخاستند و صدای اعتراض خود را نسبت به ادامه با زداشت پزشکان زندانی به گوش محافل جهانی رساندند.

بین المللی و درج مقالات در مطبوعات آمریکا و اقدام های دیگر، صمیمی همکاران خود در ایران را به گوش افکار عمومی آمریکا رساندند و خواست های پزشکان اعتصابی و موارد تجزیه و تفرقه و زورگویی های رژیم اسلامی نسبت به پزشکان را تشریح کردند.

## پزشکان ایرانی مقیم لس آنجلس

### دفاع از حقوق صنفی پزشکان ایرانی

بدنبال اقدام های افشاگرانه چند تن از پزشکان ایرانی مقیم آمریکا به منظور جلب حمایت محافل بین المللی از حرکت های اعتراضی پزشکان ایرانی و محکوم ساختن رفتار خست بار رژیم اسلامی در برابر آنها، ساعت شش بعد از ظهر روز سه شنبه ۱۴ مرداد - ۵ اوت - جمعی از پزشکان و دندانپزشکان ایرانی مقیم لس آنجلس در بیمارستان "میگرن" این شهر گرد هم آمدند و ضمن انتشار بیانیه ای، مراتب اعتراض خود را نسبت به رژیم اسلامی به اطلاع سازمان ملل متحد و سازمان بهداشت جهانی رساندند. آن ها از همکاران خود در آمریکا، درخواست کردند که به حمایت از حقوق حقۀ پزشکان ایرانی، بپای خیزند.

در این میان دکتر کا شانی، دکتر پرویز طالقانی، دکتر فیروز لاهی و دکتر رونقی با ارسال تلگرامی مونا مبه مراجع

## درخواست اشتراك

بهای اشتراك يك ساله ۲۲۰ فرانك فرانسه -  
شش ماه ۱۱۰ فرانك فرانسه -  
دانشجویان نصف قیمت

ایمناجب ( نام و نام خانوادگی )  
فارسی و به حروف لاتین )  
نام خانوادگی :  
Nom :  
نام :  
Prénom :  
آدرس :  
Adresse :  
- ما بلم نشریه قیام ایران را به مدت یک سال  به مبلغ  فرانک فرانسه به حساب بانکی نشریه  به حساب بستی نشریه  حواله  شد.  
تغیر رسید به منضمه ارسال می گردد.  
تاریخ :  
امضا :  
شماره حساب بستی :  
QYAM IRAN  
C.C.P No: 2400118/E  
PARIS  
شماره حساب بانکی :  
QYAM IRAN  
Crédit du Nord  
78, Rue de la Tour  
75116 Paris  
Compte No: 11624700200

نشانی:  
QYAM IRAN  
C/O C.B.  
17, bd RASPAIL  
75007 PARIS  
FRANCE

# ایران هرگز نخواهد مرد